

کاربرد تحلیل ذی‌نفعان در طراحی چارچوب و شناسایی اولویت‌ها جهت ساماندهی کاربری اراضی در حوضه جنوبی دریاچه ارومیه

منصور غنیان^۱
لطیف محمدزاده^۲
افشین مرزبان^۳
سمیه شادکام تربتی^۴

چکیده

دخالت و مشارکت ذی‌نفعان به عنوان سنگ بنای برنامه‌ریزی و ساماندهی هر کاری به شمار می‌رود، طوری که یکی از ابزارهای تحقق پایدارسازی و دموکراسی به حساب می‌آید. زیرا مشارکت ذی‌نفعان باعث استفاده از پتانسیل‌ها، دانش و ارزش‌های مشترک می‌شود که این امر کاهش اختلاف نظرها و افزایش اعتماد بین مردم و مسؤولان را به همراه دارد. در همین راستا، پژوهش حاضر با هدف طراحی چارچوب و شناسایی اولویت‌ها جهت ساماندهی کاربری اراضی در حوضه جنوبی دریاچه ارومیه با استفاده از کاربرد تکنیک تحلیل ذی‌نفعان انجام شد. برای انجام این تحقیق، جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات و داده‌ها در دو فاز کمی و کیفی صورت گرفت. در همین راستا، ابتداءً به صورت پیمایشی رفتار بهره‌برداران کشاورزی منطقه مورد بررسی قرار گرفت. سپس برای جمع‌بندی نتایج به دست آمده، از روش "تحلیل ذی‌نفعان" استفاده شد. در فاز اول (کمی) تحقیق، جامعه آماری شامل تمامی بهره‌برداران بخش کشاورزی منطقه بودند. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران پیش‌بینی گردید. در نتیجه، تعداد ۱۵۳ نفر به عنوان نمونه در دو مرحله (مرحله اول به صورت نمونه‌گیری خوشه‌ای و سپس در مرحله دوم روش نمونه‌گیری تصادفی) انتخاب شدند. ابزار اصلی تحقیق در این بخش، پرسشنامه بود. برای تایید روایی بخش‌های مختلف پرسشنامه از متخصصان بهره گرفته شد و به کمک ضریب آلفا کرونباخ پایایی آن تایید شد. در ادامه کار و در فاز دوم (فاز کیفی) برای انجام این فاز، ۱۸ متخصص با توجه به موضوع و اهداف تحقیق به صورت هدفمند انتخاب شدند. نتایج کلی به دست آمده حاکی از آن است که رفتارهای تغییر در روش کاشت محصولات، "تغییر کاربری اراضی" و "استفاده از ارقام بومی"، در گروه بهره‌برداران دارای تغییر کاربری، و رفتارهای "مهاجرت فصلی سرپرست خانوار به مکان دیگر برای کار"، "افزایش میزان استفاده از کود و سموم شیمیایی" و "مهاجرت دائمی به شهر"، در گروه بهره‌برداران فاقد تغییر کاربری به ترتیب در اولویت‌های اول تا سوم هستند. همچنین، با توجه به نتایج فاز کیفی تحقیق، مدیریت اراضی کشاورزی از جمله موضوعاتی است که مورد توجه ویژه‌ای قرار گرفته و ذی‌نفعان متعددی در آن سهیم هستند. مهمتر آنکه در بیشتر بخش‌ها کشاورزان در سطح مزارع در کنار سازمان‌هایی همچون جهاد کشاورزی، صدا و سیما، جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری، آب منطقه و ستاد احیاء دریاچه ارومیه به عنوان ذی‌نفع اصلی و کلیدی جانمایی شده است. لذا این ذی‌نفعان را می‌توان در گروه تاثیرگذاران قرار داد.

واژگان کلیدی: اراضی کشاورزی، رفتار کاربری، برنامه‌ریزی، تحلیل ذی‌نفعان، آبریز دریاچه ارومیه.

۱. استاد گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده مهندسی زراعی و عمران روستایی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی خوزستان، ملاثانی، ایران. (نویسنده مسئول)
Email: m_ghanian@asnrkh.ac.ir-Tel: 09163148089

۲. دانش‌آموخته دوره دکتری ترویج کشاورزی، گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده مهندسی زراعی و عمران روستایی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی خوزستان، ملاثانی، ایران.

۳. دانشیار گروه ماشین‌های کشاورزی و مکانیزاسیون، دانشکده مهندسی زراعی و عمران روستایی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی خوزستان، ملاثانی، ایران.

۴. پژوهشگر ارشد مؤسسه جغرافیا فیزیکی دانشگاه گوتته، فرانکفورت آلمان.

مقدمه

در اهداف کلان برنامه‌های توسعه اجتماعی و اقتصادی، بهره‌وری صحیح و پایدار از منابع طبیعی موجود، جهت اعتلای کیفیت زندگی نسل حاضر و نسل‌های آینده مورد تأکید قرار گرفته است (Tilman et al, 2011: 206). به عبارتی، توسعه پایدار و مداوم به عنوان رکن اصلی در نظام مدیریتی و برنامه‌ریزی، در تمامی جنبه‌های زندگی انسانی ورود پیدا کرده است (Yin et al, 2014: 45). همین امر رهبران جامعه جهانی را برآن داشت که پس از اولین اجلاس رسمی توسعه پایدار در سال ۱۹۹۲ و ده سال پس از اجلاس ژوهانسبورگ، بار دیگر سال ۲۰۱۲ در ریودوژانیروی برزیل در اجلاس ریو گردهم بیایند تا دستاوردهای بیست ساله اجلاس زمین سال ۱۹۹۲ را بررسی و مطابق با پیشرفت‌های موجود اهداف جدیدی را ارائه نمایند. به طور خلاصه اهدافی که در اجلاس ریودوژانیرو در سال ۲۰۱۲ مطرح شد شامل سه محور تجدید تعهد سیاسی به توسعه پایدار، ارزیابی پیشرفت و از بین بردن شکاف بین آنچه که تعهد شده و باید به مرحله اجرا درآید و توجه به چالش‌های نو ظهور بود (گزارش دستاوردهای سازمان ملل متحد پیرامون توسعه پایدار ریو ۲۰۰۰، ۱۳۹۱: ۳۳). بنابراین، اصطلاح توسعه پایدار پس از پیدایش، در مدت‌زمان کوتاهی به همه ابعاد زندگی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اکولوژیکی راه یافت (میرکتولی، ۱۳۹۰: ۷۵). در این بین، توسعه کشاورزی و پایداری در توسعه کشاورزی، به عنوان یکی از ابعاد توسعه پایدار بیشتر با ابعاد کیفی همگام است و از طریق سه محور اساسی امنیت غذایی، ایجاد اشتغال و درآمد در مناطق روستایی به منظور ریشه کن نمودن فقر و حفظ منابع طبیعی و محیط زیست ارزیابی می‌شود (Liu et al, 2016: 59).

کشاورزی یکی از ابعاد مهم در اقتصاد کشور است که به طور شایسته از ظرفیت‌های آن استفاده نمی‌شود (Rodriguez, 2015: 9). تصمیمات دو دهه اخیر در حرفه کشاورزی اگرچه موجب افزایش قابل ملاحظه‌ای در تولید محصولات مختلف کشاورزی شده است، اما روند رشد عوامل تخریب کننده منابع پایه موجب نگرانی شده است (سلطانی و دمازی، ۱۳۹۵: ۱۱). اصولاً در بین طیف گسترده منابع پایه در کشاورزی، زمین اصلی‌ترین فاکتور و مهم‌ترین منبع به شمار می‌رود (فائو، ۲۰۱۲) و از دیرباز برای ارضای نیاز بشر دارای اهمیت فراوانی بوده است (جعفر فوتمی و شیدای کرکج، ۱۳۹۲: ۵۰). امروزه نیز به دلیل رشد روزافزون جمعیت و افزایش تقاضا هم برای مواد غذایی و هم برای سایر نیازهای مسکونی (اصغری زمانی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۳)، تجاری، تفریحی (Gatto et al, 2015: 12) و ... ارزش آن به مراتب بیشتر شده است. با این شرایط، در صورت سوء مدیریت اراضی روستایی و کشاورزی، این افزایش در تقاضا می‌تواند به مانعی در مسیر توسعه کشاورزی و در نهایت توسعه ملی تبدیل شود (سعدی و عوافی‌اکمل، ۱۳۹۷: ۲۱۲). بنابراین، تغییر کاربری عبارت است از اینکه مالک یک زمین به دلیل ایجاد منافع بهتر زمین تحت مالکیت خود را از نوعیت مجاز آن خارج کند. برای مثال زمین مرتع و یا زراعی را تبدیل به مسکونی، تجاری، تفریحی یا باغی کند (Fidelis and Roebeling, 2014). با نگاهی گذرا به توسعه در بخش کشاورزی، می‌توان استدلال کرد که در مناسبات ارضی حاکم بر ایران، غالب مسائل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی این سرزمین به زمین ختم می‌شود (علی صوفی و اویسی، ۱۳۹۱: ۷۶). در نتیجه، توجه به مدیریت و ساماندهی کاربری اراضی با مشارکت همه ذی‌نفعان ضروری به نظر می‌رسد (امینی و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۰؛ دفتر برنامه محیط زیست ملل متحد، ۲۰۱۲: ۳۳).

طراحی چارچوب و شناسایی اولویت‌ها در جهت ساماندهی کاربری اراضی کشاورزی یکی از موارد ویژه برای دستیابی به اهداف کلان اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است (جعفر فوتمی و شیدای کرکج، ۱۳۹۲: ۵۱)، که نه تنها آثار بسیاری بر سرمایه‌گذاری‌ها و تصمیمات دارد، بلکه نقش مهمی را در بهبود معیشت روستاییان و کشاورزان بازی می‌کند (Gatto et al, 2015: 12). طوری که دنیای امروزی برای غلبه بر چالش‌های موجود در زمینه ساماندهی کاربری اراضی، نیازمند یک چارچوب سازگار برای مدیریت اراضی است (Malhan and Shivarama, 2016: 2). اما این چارچوب برای مدیریت منابع پایه باید در هر کشور یا منطقه با توجه به شرایط خاص آن منطقه باسازی و اصلاح شود تا قابلیت پیاده سازی و اجرایی پیدا کند (دفتر برنامه محیط زیست ملل متحد، ۲۰۱۲). همچنین،

ساماندهی اراضی و مدیریت آن بایستی با اتکاء به امکانات و تکنولوژی موجود شکل یابد، از نظر فنی مناسب، از نظر اقتصادی توجیه‌پذیر، از نظر اجتماعی قابل قبول و از نظر محیطی مطلوب باشد (دسترنج و توکلی، ۱۳۹۶: ۱۴۹). در کل یک ساماندهی و نحوه کاربرد زمین، می‌تواند تکلیف زمین را از جوانب مختلف در زمینه استفاده آن مشخص کند (نظرسامانی و همکاران، ۱۳۸۹: ۴۲۳). این طرح ساماندهی و برنامه‌ریزی کاربری اراضی می‌تواند یک مسیر ویژه‌ای را برای اهداف کلان اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و کالبدی را ایجاد کند، تا نقش مهمی را در تصمیم‌گیری‌های عمومی ایفا کند (فیروزنیا و همکاران، ۱۳۹۱). فیدلیس و روبلینگ (۲۰۱۴) معتقدند که باید در منطقه یک سری الگوها و طرح‌های مخصوص داشته باشیم و مطابق آن عمل کنیم. به اعتقاد آنها، الگوهای مخصوص یک منطقه با شرایط منطقه مورد نظر انعطاف بیشتری دارند و بهتر توانایی غلبه بر چالش‌ها را دارند. همچنین با فرهنگ و اجتماع منطقه هم سازگارتر است (ویسی و نیکخواه، ۱۳۹۷: ۳۳۰). به این معنی که برنامه‌ریزی و ساماندهی کاربری اراضی امروزه در نظام‌های پیشرفته برنامه‌ریزی جهان، در راستای استفاده بهینه از زمین، به صورت آمایش سرزمین و برنامه‌ریزی فضائی و طرح‌ریزی کالبد ملی و منطقه‌ای و محلی تبدیل شده است (صحرائی جویباری و ابراهیم‌زاده، ۱۳۹۴: ۸۰).

یکی از عوامل مهم موفقیت در ساماندهی و مدیریت منابع طبیعی از جمله اراضی کشاورزی و روستایی توسط مدیران این بخش، شناسایی ذی‌نفعان و معیارهای مربوط و همچنین مطالعه رفتار آنها است. استفاده از تحلیل پتانسیل‌ها، نقش‌ها، خواسته‌ها و اطلاعات و دانش ذی‌نفعان طرح برای تعامل و هماهنگی با آنها کمک زیادی در برآورد انتظارات خواهد کرد. زیرا بدون شناسایی دقیق و کامل همه ذی‌نفعان در مدیریت و ساماندهی اراضی کشاورزی و روستایی نمی‌توان به نتایج منطقی و قابل قبول تصمیمات اطمینان داشت (حیاتی و همکاران، ۱۳۹۷). این اثرگذاران ذی‌نفعانی هستند که با توجه به گستردگی و تنوع منابع، تعاریف متنوعی نیز از آنها ارائه شده است. به عبارتی، ذی‌نفعان در مدیریت اراضی کشاورزی بسیار حائز اهمیت است که حضور و فعالیت آنان در این عرصه‌ها انکارناپذیر و فراهم‌کننده تضمین موفقیت در مدیریت مشارکتی است (محمدزاده، ۱۳۹۹). رنارد^۲ (۲۰۰۴) شناسایی ذی‌نفعان و مطالعه و بررسی رفتار آنها را اولین مرحله مهم در فرآیند ساماندهی و تصمیم‌گیری مشارکتی و تشکلهای منطقه‌ای می‌داند که می‌تواند به عنوان یک رهیافت مناسب در مدیریت اراضی کشاورزی و روستایی مورد توجه قرار گیرد. همچنین لویت^۳ (۲۰۱۲) معتقد است که عدم شناسایی ذی‌نفعان ممکن است باعث بروز ناهماهنگی در اجرای برنامه شود و چالش را پیچیده‌تر کند. زیرا اتحاد همه ذی‌نفعان در تصمیم‌گیری یک اصل مهم برای موفقیت در مدیریت محسوب می‌شود. حضور و مشارکت ذی‌نفعان در فرآیند مدیریت و برنامه‌ریزی می‌تواند کاربردهای مختلفی داشته باشد. ذی‌نفعان می‌توانند ارائه‌کننده اطلاعات و شواهد برای یک سیاست‌گذاری باشند (Abdus Salam and Noguchi, 2006: 12). این اطلاعات می‌تواند جهت و مسیر روند فعلی را تغییر دهد. ذی‌نفعان می‌توانند به عنوان زنگ خطر در فرآیند تصمیم‌گیری مورد استفاده قرار گیرند. طوری که آنها می‌توانند نقاط قوت و ضعف برنامه را آشکار کنند. در این صورت تحلیل ذی‌نفعان را می‌توان درباره تفکر پیرامون امکان‌پذیری پیشنهادها، جدید سیاستی و تدوین برنامه‌ریزی مدیریتی گسترده برای حمایت از تغییر سیاست مورد استفاده قرار داد (محمدزاده، ۱۳۹۹).

مبانی نظری

با توجه به اهمیت شناسایی و تحلیل ذی‌نفعان در مدیریت منابع پایه در کشاورزی از جمله اراضی تحقیقات مختلفی انجام شده و تعاریف زیادی ارائه شده است. مفهوم ذینفع برای اولین بار به وسیله مؤسسه تحقیقات استنفورد در سال ۱۹۳۶ مطرح شد. از فریمن^۴

1 Fidelis and Roebeling

2 Renard

3 Luyet

4 Friedma

می‌توان به عنوان پایه‌گذار تحلیل ذی‌نفعان و وارد کردن این بحث در ادبیات مدیریت یاد کرد. بعد از فریمن محققان در حوزه‌های مختلف از جمله منابع طبیعی تعاریف و راه‌کارهای مختلف ارائه کردند (حیاتی و همکاران، ۱۳۹۷). فریمن ذی‌نفعان را هر گروه یا فردی تعریف می‌کند که بتواند اهداف سازمان را تحت تاثیر قرار دهد یا تحت تاثیر آن قرار گیرد (شکل ۱). با توجه به این تعریف می‌توان گفت که رسانه‌ها، رقبا و حتی نسل آینده نیز به عنوان ذی‌نفع محسوب می‌شوند (Currie et al., 2009: 41-63). فریمن (۲۰۰۶) معتقد است که خود سازمان باید به عنوان گروهی از ذی‌نفعان در برنامه‌ریزی‌ها در نظر گرفته شود. همچنین فیروزنیا و قرنی‌آرانی (۱۳۹۴) ذی‌نفعان را گروهی تعریف می‌کند که از منافع برنامه به صورت مستقیم یا غیرمستقیم بهره‌مند می‌شوند و یا گروهی که منفعت یا سهمی در فرایند تصمیم‌گیری دارند. بر این اساس می‌توان اظهار داشت که تحلیل ذی‌نفعان فرایندی است که براساس آن ذی‌نفعان و بازیگران شناسایی شوند، نقش و سهم آنها در برنامه مشخص و میزان نفوذ و حقوق آنها تحلیل شود. همچنین، اولویت تاثیرگذاری و تاثیرپذیری ذی‌نفعان مشخص شود و در نهایت مکانیسم تدوین و به مرحله اجرا درآید (Abdus Salam and Noguchi, 2006: 12).

تائب بذب فتنه و تائب



شکل (۱). نمودار رنگین کمان، تاثیرپذیری و تاثیرگذاری ذی‌نفعان در برنامه‌ریزی (Chevalier and Buckles, 2008).

با توجه به مطالب بیان شده، می‌توان گفت که تحلیل ذی‌نفعان فرایندی است که براساس آن ذی‌نفعان شناسایی شوند، نقش و سهم آنها در برنامه و مدیریت تعیین گردد. سپس میزان نفوذ و حقوق و رفتار هر یک از ذی‌نفعان در طول فرایند مشخص شود. این کار سبب می‌شود اولویت تاثیرگذاری و تاثیرپذیری ذی‌نفعان مشخص می‌شود و در نهایت راهکارها ارائه می‌گردد (محمدزاده، ۱۳۹۹). بر این اساس در فرایند مدیریت و ساماندهی اراضی کشاورزی و روستایی باید طوری عمل کرد که منافع تمامی گروه‌های ذی‌نفع رعایت شود و به رفع و کاهش تعارضات در فرایند برنامه‌ریزی کاربری اراضی کشاورزی منجر شود. چنانچه کاربری اراضی و نحوه مدیریت و ساماندهی آن یک مثال ملموس از تاثیر بشر بر محیط اطرافش است. در ترکیب اصطلاح کاربری اراضی، منظور از اراضی به همه عناصر طبیعی، خصوصیات اقلیمی، زمین‌شناسی و توپوگرافی می‌باشد. کلمه کاربری هم، نحوه استفاده از این امکانات و عناصر را بر حسب شرایط و نیاز انسانی بیان می‌کند (امینی و همکاران، ۱۳۸۹: ۵۱). درباره مفهوم کاربری اراضی تعاریف مختلفی ارائه شده است. در بین تعاریف ارائه شده، ساده‌ترین و معروف‌ترین تعریف را می‌توان از مک‌کانل (۱۹۸۱) بیان کرد. وی کاربری زمین را نحوه مدیریت و ساماندهی زمین به جهت نوع فعالیتی می‌داند که در آن انجام می‌شود. از این رو شهرسازی، کشاورزی، کاربرد زمین برای صنعت یا اسکان و غیره همه از سیاست‌های کاربری زمین هستند.

دستیابی به یک برنامه مناسب در جهت ایجاد تعادل و توزان در ابعاد مختلف زیست‌محیطی (Liu et al, 2016: 59)، اقتصادی و ثروت عمومی (Miljkovic et al, 2012: 19)، اجتماعی (Kaufmann et al, 2009: 6; Cheng et al, 2011: 24) و سایر



ظرفیت‌های دیگر، به عنوان یک اصل مورد پذیرش همگان قرار گرفته است. در ساماندهی کاربری اراضی کشاورزی، تمام جوانب زیست محیطی، اجتماعی، اقتصادی، فواید و زیان‌ها مورد کنکاش قرار می‌گیرد که بر پایه دو اصل توسعه پایدار و ارتقاء کیفیت زندگی مردم، از جمله مردم روستایی در پی دستیابی به اهدافی چون، توزیع متوازن و متعادل کاربردها، جلوگیری از تداخل کاربردهای ناسازگار، تدوین معیارها و استانداردهای کاربرد اراضی می‌باشد (ابراهیم‌نیا و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۳). لی‌یر^۱ (۱۹۹۸) معتقد است که مدیریت و ساماندهی کاربری اراضی، فرصت‌های بزرگی را برای کمک به سیاست‌گذاران جهت حرکت به سمت مدیریت پایدار منابع در کشاورزی و محیط روستا، ایجاد می‌کند. وی برنامه‌ریزی کاربری اراضی کشاورزی را یک ارزیابی نظام‌مند از زمین، آب و یافتن راه‌حل‌های جایگزین به جای روش‌های کنونی برای استفاده بهینه (از لحاظ زیست محیطی، اجتماعی و اقتصادی) از منابع موجود، تعریف می‌کند. این تعریف یک رویکرد جامع دارد که کاربری‌های مختلف اراضی روستایی در آینده را مورد توجه قرار داده است (Lambin and Geist, 2006: 64).

در تحقیقی که از اونق و همکاران (۱۳۸۴) تحت عنوان برنامه مدیریت کاربری اراضی سواحل جنوب شرقی دریای خزر، به منظور ساماندهی فضایی و مدیریت پایدار کاربری زمین صورت گرفت، با اولویت‌بندی بین کاربری‌های ممکن به روش کیفی- قیاسی و با ملاحظه مناطق زیستی چهارگانه تحت حفاظت، نقشه پایه آمایش منطقه در مقیاس ۱:۱۰۰۰۰۰ به عنوان سند راهنمای توسعه و مدیریت محیط تهیه شد. همچنین، دو سناریوی متفاوت مبنی بر اصل بهره‌برداری چند جانبه برای مدیریت کاربری اراضی منطقه تهیه و تدوین گردید. براساس این تحقیق، تعداد واحدهای زیست محیطی تفکیک شده خیلی کمتر از تعداد مورد انتظار بود که نشان دهنده تغییر کاربری اراضی شدید در منطقه در قرن اخیر می‌باشد. در نهایت، توان منطقه به توسعه هر ۷ نوع کاربری مرسوم تعیین گردید. همچنین شمس‌الدینی و امیری فهلیانی (۱۳۹۴) تحقیقی با عنوان بررسی عوامل اثرگذار بر مدیریت کاربری اراضی روستایی در شهرستان ممسنی انجام دادند. نتایج حاصله از تحقیق آنها نشان داد، استراتژی تدافعی، بهترین روش در جهت برنامه‌ریزی و مدیریت اراضی زراعی روستاهای مورد مطالعه شناخته شد. همچنین بر اساس نتایج حاصل از تکنیک تاپسیس، تهدیدها بیشترین تأثیر را در بهینه‌سازی و توسعه متعادل کاربری اراضی دارد و در رتبه دوم فرصت‌ها قرار می‌گیرند. در تحقیق باجراچاریا^۲ (۲۰۱۱) که با هدف ساماندهی و برنامه‌ریزی کاربری اراضی در کوئینزلند انجام گرفت نشان داده شد، در طول دهه‌های اخیر، اراضی دستخوش تغییرات زیادی در نحوه کاربری و ساماندهی اراضی، امکانات و همچنین تغییرات جمعیت شناختی بودند. در همین رابطه برنامه‌ریزی کاربری اراضی یکی از اجزای کلیدی مدیریت و توسعه پایدار زمین به شمار می‌رود که در روستاها به عنوان یکی از راه‌حل موجب کاهش فشار بر زمین می‌شود. به منظور مدیریت بهتر منابع زیست‌محیطی و کم کردن اثرات این چالش‌ها، داشتن دانش جهت تدوین برنامه‌ریزی بلند مدت و انعطاف‌پذیر برای حفظ منابع و نگه‌داری از آن برای نسل‌های آتی ضروری است. بنابراین، یکی از مهم‌ترین فعالیت‌هایی که طراحی چارچوب و شناسایی اولویت‌ها در جهت ساماندهی باید مورد توجه قرار گیرد عبارت است از، کوشش در برقراری مجدد هماهنگی اکولوژیکی در عرصه‌های تولید کشاورزی و اتخاذ سیاست‌ها و تهیه برنامه‌هایی برای احیاء و بازسازی اراضی مخروبه و حفظ کاربری اراضی با همکاری و هماهنگی همه ذی‌نفعان و بازیگران این بخش است (میرکتولی، ۱۳۹۰؛ مالکی و همکاران، ۱۳۹۲). بنابراین، برنامه‌ریزان، سیاست‌گذاران و مدیران می‌توانند از مدل تحلیل ذی‌نفعان برای تعیین عاملین کلیدی و بررسی مواردی همچون دانش، منافع، انتظارات، موقعیت‌ها، ارتباطات و اهمیت مرتبط با خط مشی بهره‌گیری نمایند. این امر به مدیران امکان می‌دهد تا بطور کارآمدتری با ذی‌نفعان اصلی تعامل داشته و از خط مشی در طراحی چارچوب و شناسایی اولویت‌ها جهت ساماندهی کاربری اراضی، حمایت بیشتری به عمل آورند. در چند دهه گذشته حوضه آبریز دریاچه ارومیه همانند سایر مناطق کشور و جهان درگیر چالش‌های مربوط به کاربری اراضی و مدیریت و ساماندهی آن در بخش روستایی و کشاورزی بوده است (نصرالهی و همکاران، ۱۳۹۳).

1Lier

2Bajracharya

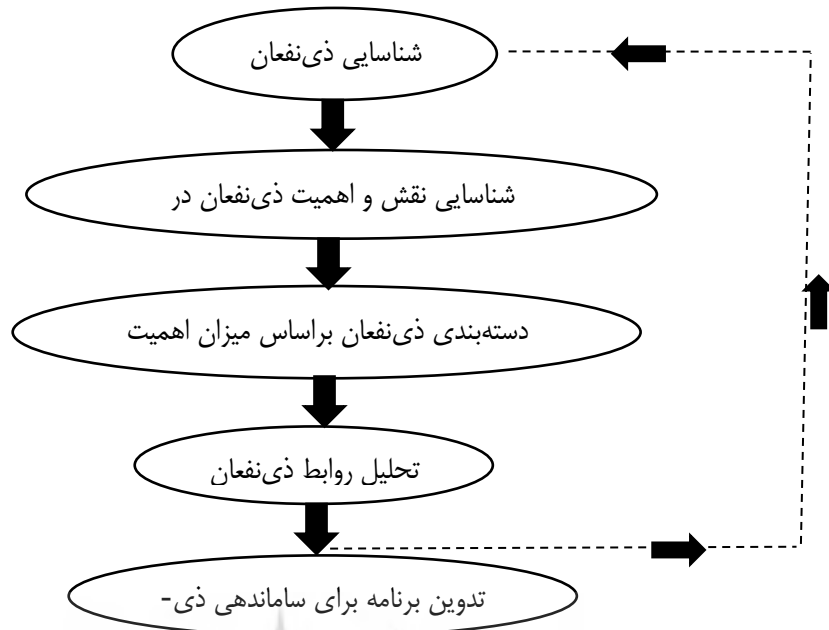
حوضه آبریز دریاچه ارومیه با مختصات جغرافیایی ۴۴ درجه و ۳۳ دقیقه تا ۴۷ درجه و ۵۳ دقیقه طول شرقی و ۳۵ درجه و ۴۰ دقیقه تا ۳۷ درجه و ۲۹ دقیقه در شمال غرب ایران قرار گرفته است که از لحاظ وسعت بیستمین دریاچه جهان محسوب می‌گردد (Mahsifar et al, 2011: 59). حوضه آبریز دریاچه ارومیه یکی از حوضه‌های بسته ایران است که در تقسیم‌بندی حوضه‌های آبریز ایران، حوضه اصلی به‌شمار می‌رود. دریاچه ارومیه به‌عنوان بزرگترین دریاچه داخلی ایران و از مهم‌ترین و با ارزش‌ترین اکوسیستم‌های آبی ایران و جهان به‌شمار می‌آید (حلاجی و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۱۶). اکوسیستم این دریاچه نمونه‌ای شاخص از یک حوضه آبریز بسته است که کلیه رواناب‌های جاری در رودخانه‌های حوضه به آن تخلیه می‌گردد. مساحت این حوضه، ۵۱۸۰۱ کیلومتر مربع است. حوضه آبریز دریاچه ارومیه تنها یک زیرحوضه درجه ۲ دارد و شامل رودهایی است که به دریاچه ارومیه منتهی می‌شوند (قدوسی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۳۴). مساحت حوضه آبریز دریاچه ارومیه، ۳٪ مساحت کل کشور ایران را دربر می‌گیرد که در استان‌های آذربایجان-شرقی و غربی و کردستان قرار دارد. سهم هریک از استان‌ها از وسعت این حوضه به این صورت است: استان آذربایجان غربی ۴۶ درصد، آذربایجان شرقی ۴۳ درصد و کردستان ۱۱ درصد (دفتر برنامه‌ریزی و تلفیق ستاد احیای دریاچه ارومیه، ۱۳۹۳: ۲). بلندترین ارتفاعات این حوضه شامل سیلان به ارتفاع ۴۸۱۱ متر و سهند به ارتفاع ۳۷۰۷ متر هستند و پایین‌ترین نقطه حوضه، دریاچه ارومیه به ارتفاع متوسط ۱۲۸۰ متر است (دفتر برنامه‌ریزی و تلفیق ستاد احیای دریاچه ارومیه، ۱۳۹۳: ۵). منابع آبی ورودی به دریاچه شامل رودخانه‌های دائمی و فصلی و ریزش‌های مستقیم باران است. مهم‌ترین رودخانه‌هایی که مستقیماً به دریاچه ارومیه می‌ریزند، عبارتند از: زرینه‌رود، سیمینه‌رود، مه‌باد چای، شهرچای، باراندوز، نازلو و آجی‌چای. آب دریاچه بین‌هایت شور و میزان نمک آن چند برابر اقیانوس‌ها می‌باشد. در این بین حوضه آبریز زرینه رود و سیمینه رود می‌اندوآب نقش اساسی در احیای دریاچه ارومیه ایفا می‌کنند. این دو رودخانه با ۴۲ و ۱۱ درصد آورده آبی حوضه آبریز دریاچه در مجموع بیش از نیمی و حدود ۵۲ درصد منابع آب در حوضه آبریز دریاچه را شامل می‌شوند (عساکره و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۵۳). موقعیت خاص حوضه از لحاظ زمین‌شناسی، میزان تبخیر بالا و تجمع مداوم املاح در آن، منجر به تبدیل دریاچه به یک دریاچه فوق‌العاده شور شده است (فتحیان، ۱۳۹۰: ۲۶۶). این حوضه آبریز در ارتفاعی بین ۱۲۸۰ تا ۳۷۰۷ متر بالاتر از سطح دریا قرار گرفته است که پست‌ترین نقطه آن دریاچه ارومیه و دشت‌های وسیع اطراف آن می‌باشد (دفتر برنامه‌ریزی و تلفیق ستاد احیای دریاچه ارومیه با همکاری دانشگاه صنعت شریف، ۱۳۹۴). حدود ۳۳۴۶۹ کیلومتر مربع از سطح حوضه آبریز دریاچه ارومیه را مناطق کوهستانی (۶۵ درصد)، ۱۲۵۶۴ کیلومتر مربع آن را دشت‌ها و کوهپایه‌ها ۲۴ درصد و ۵۳۲۰ کیلومتر مربع آن را نیز دریاچه ارومیه (۱۰ درصد) در بر گرفته است (شکل ۲) (کمالی و یونس‌زاده‌جلیلی، ۱۳۹۴: ۲۴). در حوضه جنوبی آبریز دریاچه ارومیه تغییر کاربری اراضی کشاورزی پس از کم آبی و خشکسالی، طوری که چالش‌هایی از قبیل تغییرات کاربری اراضی، افزایش سطح زیر کشت اراضی آبی و باغی و تغییر الگوی کشت در چند سال اخیر نگرانی‌هایی را بوجود آورده است (قدوسی و همکاران، ۱۳۹۳). فتحیان و همکاران (۱۳۹۲) نیز در تحقیق خود با عنوان ارزیابی روند تغییرات کاربری اراضی با استفاده فناوری سنجش از راه دور و ارتباط آن با روند جریان رودخانه‌ها در حوضه دریاچه ارومیه، روند معنی‌دار افزایشی دما را در کل منطقه نشان دادند که در مورد بارندگی این چنین نبود. همچنین برای بخش طبقه‌بندی کاربری اراضی، نتایج نشان داد تغییرات عمده‌ای در کاربری منطقه بوده است. به طوری که مساحت اراضی آبی، باغی و دیم به ترتیب، ۴۱۲، ۴۸۵ و ۶۷۲ درصد طی ۳۵ سال اخیر افزایش داشته است. از طرفی نیز اراضی مرتعی با ۳۴ درصد کاهش همراه بوده است. همچنین با توجه به تحقیقات دفتر برنامه‌ریزی و تلفیق ستاد احیای دریاچه ارومیه (۱۳۹۳) مساحت باغات، زراعت دیم و زراعت آبی به ترتیب ۹۰ درصد، ۳۴ درصد و ۱۶ درصد افزایش داشته است. در مقابل مساحت دریاچه ارومیه و مراتع به ترتیب ۳۲ درصد و ۱۷ درصد کاهش یافته است. در این تحقیق به دلیل وسعت حوضه آبریز دریاچه ارومیه، منطقه مطالعاتی در حوضه جنوبی آبریز در نظر گرفته می‌شود. در این منطقه، در چند سال اخیر به دلیل عدم نظارت‌های درست و مدیریت ضعیف، اراضی به شدت به دلایل مختلفی تخریب شدند و بنابر مطالعات قبلی بیشترین تغییرات کاربری در حوضه جنوبی اتفاق افتاده است (فتحیان، ۱۳۹۰). در همین راستا، با هدف با هدف تحلیل رفتار ذی‌نفعان در فرایند ساماندهی و مدیریت کاربری اراضی کشاورزی در حوضه جنوبی آبریز دریاچه ارومیه انجام شد.



شکل (۲). موقعیت جغرافیایی منطقه مورد مطالعه (منبع: محمدزاده، ۱۳۹۹)

روش‌شناسی تحقیق

روش تحقیق حاضر، به لحاظ پارادایم از نوع تحقیقات آمیخته کمی- کیفی با رویکرد اکتشافی بوده، به‌طوری‌که ابتدا به منظور بررسی رفتار بهره‌برداران کشاورزی در سطح منطقه مورد مطالعه، از روش پیمایشی استفاده شد. جامعه آماری در فاز کمی، شامل تمامی بهره‌برداران بخش کشاورزی منطقه مورد مطالعه می‌باشد. از میان جامعه آماری مورد نظر، تعداد ۱۵۳ نفر به عنوان نمونه در دو مرحله انتخاب شدند. به این صورت که در مرحله اول به صورت نمونه‌گیری خوشه‌ای (۷ شهرستان از مجموع ۱۲ شهرستان و از هر شهرستان حداقل ۲ بخش) و سپس در مرحله دوم با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران پیش‌بینی گردید. جهت جمع‌آوری اطلاعات در این بخش از پرسشنامه استفاده گردید. پرسشنامه‌ای با چند زیربخش از جمله زیربخش- های اجتماعی، اقتصادی، مدیریتی و زیست‌محیطی در رابطه با شناسایی و تحلیل عوامل مؤثر بر رفتار بهره‌برداران کشاورزی در تغییرات کاربری اراضی در حوضه کاربری اراضی و ویژگی‌های فردی و حرفه‌ای افراد نمونه توسط تیم تحقیق طراحی شد. در بخش ویژگی‌های فردی و حرفه‌ای از پاسخ‌دهندگان خواسته شد تا سؤالات را به صورت کوتاه پاسخ و یا انتخاب گزینه مربوطه پاسخ دهند. همچنین در بخش دوم پرسشنامه هر یک از گویه‌ها در قالب طیف لیکرت ۵ قسمتی مورد سنجش قرار گرفت. روایی صوری آن توسط متخصصان موضوعی (اعضای هیات علمی گروه ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی خوزستان، کارشناسان محیط زیست فعال در سازمان‌های دولتی و خصوصی، دانشجویان تحصیلات تکمیلی در رشته‌های کشاورزی و محیط زیست و کارشناسان سازمان جهاد کشاورزی و مرکز تحقیقات کشاورزی) تایید شد. همچنین پایایی پرسشنامه به وسیله انجام محاسبه ضریب آلفای کرونباخ برای تمامی مؤلفه‌های مورد نظر (با میزان بیش از ۰/۷) مورد تایید قرار گرفت. سپس در فاز دوم تحقیق حاضر، به منظور دستیابی به یک نتیجه عینی، جهت تحلیل رفتار ذی‌نفعان در فرایند ساماندهی و مدیریت کاربری اراضی کشاورزی در حوضه جنوبی آبریز دریاچه ارومیه از تحلیل ذی‌نفعان استفاده شد. جامعه آماری در این بخش شامل یک پانل متخصصان؛ (ترکیبی از کارشناسان و کشاورزان پیشرو در بخش کشاورزی و فعالان محیط زیست، صاحب‌نظران مربوطه) می‌باشد. در این مرحله از تحقیق ۱۸ نفر صاحب‌نظران برای اعضاء پانل با نظر تیم تحقیق و به صورت هدف‌مند انتخاب شدند. در جمع‌بندی از روش‌های مختلف تحلیل ذی‌نفعان می‌توان فعالیت‌های مشترک و الزامی این روش را به شرح زیر ارائه کرد (شکل ۳):



شکل (۳). گام‌های اصلی روش‌شناسی تحلیل ذی‌نفعان در فرایند مدیریت و برنامه‌ریزی

همچنین در ادامه تحقیق برای تحلیل ذی‌نفعان از جدول قدرت در مقابل منافع استفاده شد. به این صورت که ذی‌نفعان در یک ماتریس ۲*۲ طبقه‌بندی شدند. محورهای این جدول عبارت است از میزان منافع یا علاقه، و دیگری قدرت تأثیرگذاری. البته باید توجه داشت که قراردادن گروه‌های مختلف ذینفع در سلول‌های این جدول به معنای مطلق انگاری میزان منافع و قدرت نیست. بلکه در هر دو موضوع منافع و قدرت طیفی از افراد قرار می‌گیرند. در شکل ۴ جایگاه ذی‌نفعان بر اساس معیار منافع- قدرت رسم شده است. این ماتریس در سال ۱۹۹۸ توسط ادن اکرم^۱ توصیف شد.



شکل (۴). ماتریس قدرت- منافع (Abdus Salam and Noguchi, 2006: 12).



برای جانمایی ذی‌نفعان در ماتریس منافع- قدرت، با توجه به قدرت نسبی آنها در برنامه‌ریزی و ساماندهی و میزان علاقه آنها برای تحمیل انتظارات خود بر روی برنامه‌ریزی از تیم تشکیل شده خواسته می‌شود که جای ذی‌نفعانی را که با روش مصاحبه نیمه ساختار یافته به دست آمده است، در خانه‌های ماتریس مشخص کنند. بعد از اعلام نظرات مختلف، بر روی موقعیت هر ذی‌نفع اتفاق نظر حاصل گردید.

- گروه ۱- ذی‌نفعان کلیدی گروهی از افراد هستند که دارای قدرت بالا و سطح بالایی از خواسته و علاقه هستند.
- گروه ۲- گروه دوم جزء چالش برانگیزترین افراد هستند. زیرا با وجود عدم منافع، ممکن است قدرت خود را در واکنش به یک پروژه خاص بکار گیرند. در نتیجه باید راضی نگه داشته شوند. ذی‌نفعان این گروه دارای قدرت بالا و سطح خواسته و علاقه پایین هستند.
- گروه ۳- گروه سوم شامل افرادی با گروه دارای قدرت کم و سطح بالایی از خواسته و علاقه می‌باشد. این گروه باید مطلع نگه‌داشته شوند و اقدام فوری مورد نیاز نیست.
- گروه ۴- برای افراد این گروه حداقل تلاش لازم است و نیاز به اقدام فوری نیست، زیرا ذی‌نفعانی با قدرت کم و کمترین سطح خواسته در این گروه قرار گرفتند.

در این مرحله، جهت استخراج و رسیدن به سازوکار کاربردی در منطقه مورد مطالعه، مصاحبه‌ای نیمه‌ساختار یافته در چند مرحله انجام شد. سوالات مصاحبه در مرحله اول در راستای شناسایی ذی‌نفعان مرتبط با تغییرات کاربری اراضی بود. در این مرحله سوال اصلی از نمونه عبارت بود از: "تدوین برنامه‌ریزی برای کاهش آثار منفی تغییرات کاربری چه ذی‌نفعان و بازیگرانی را در بر می‌گیرد؟ لطفاً تمامی ذی‌نفعان را (شامل افراد، نهادها و غیره) را در فهرست زیر ارائه دهید." سپس در مراحل بعدی تحقیق به ترتیب و با همکاری نمونه انتخاب شده، نقش و اهمیت ذی‌نفعان شناسایی و در نهایت ذی‌نفعان در ماتریس قدرت - منافع جانمایی شدند. جمع‌آوری این فاز از تحقیق حاضر در مدت ۳ ماه انجام شد.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

بررسی ویژگی‌های فردی و حرفه‌ای نمونه مورد مطالعه

از مجموع ۱۵۳ کشاورز مورد مطالعه در پژوهش حاضر، بیشترین فراوانی مربوط به شهرستان‌های بوکان و نقده با ۱۶/۳ درصد و کمترین فراوانی مربوط به شهرستان شاهین‌دژ با ۱۱/۱ درصد افراد مشارکت‌کننده در تحقیق می‌باشد. همچنین بیشترین فراوانی سن افراد مورد مطالعه مربوط به سطح ۳۰-۴۰ سال بوده است، که معادل ۲۶/۱ درصد از افراد نمونه را تشکیل می‌دادند. در ادامه نتایج همین بخش نشان داده شد که بیش از نصف افراد (۵۰/۴ درصد) بی‌سواد هستند یا میزان سواد آنها تنها به خواندن و نوشتن محدود می‌شود. همچنین از این تعداد، ۳۵/۶ درصد دارای دیپلم و ۱۴ درصد دارای مدارک فوق‌دیپلم و لیسانس بودند. براساس توزیع نمونه بر حسب سابقه فعالیت کشاورزی نشان داده شد که بیشترین فراوانی مربوط به محدوده ۱۰ تا ۲۰ سال با ۲۸/۸ درصد می‌باشد. از تعداد کل افراد نمونه، ۹۵ نفر (۶۲/۱ درصد) هیچ وقت در کلاس‌های آموزشی- ترویجی مشارکت نداشتند یا به عبارتی دیگر، شرایط شرکت در جلسه برای آنها فراهم نشده است. چنانچه این امکان به صورت محدود ۱ تا ۲ دفعه برای ۳۶ نفر، ۳ تا ۴ نوبت برای ۲۰ نفر و ۵ نوبت و بیشتر تنها برای ۲ نفر مهیا بوده است. همان‌گونه که در جدول ۲ قابل مشاهده است، ۵۱ نفر از کل تعداد افراد نمونه (۳۳/۳ درصد) کمتر از ۵ هکتار زمین کشاورزی داشتند. چنانچه، ۵۹ نفر بین ۵ تا ۱۰ هکتار و ۲۴ نفر بین ۱۰ تا ۱۵ هکتار زمین کشاورزی داشتند. نتایج نشان داد، فقط ۱۹ نفر (۱۲/۴ درصد) از کشاورزان ۱۵ هکتار و بیشتر زمین کشاورزی دارند. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که بیش از نصف افراد نمونه (۵۶/۹ درصد) در زمین تحت مالکیت خودشان به حرفه کشاورزی مشغول هستند. همچنین با توجه به این نتایج، ۸/۵ درصد در اراضی اجاره‌ای و ۷/۲ درصد به صورت درصدی در اراضی کشاورزی مشغول تولید محصولات مختلف کشاورزی در منطقه هستند. درحالی که ۲۷/۴ درصد افراد علاوه بر زمین تحت مالکیت خود، به صورت اجاره‌ای یا درصدی (نصفه‌کاری) هم کار می‌کنند. اطلاعات مربوطه در جدول ۱ آمده است.

جدول (۱). ویژگی های فردی و حرفه‌ای بهره برداران مورد مطالعه

متغیر	سطوح متغیر	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
شهرستان محل سکونت	بوکان	۲۵	۱۶/۳	۱۶/۳
	میاندواب	۲۱	۱۳/۷	۳۰/۰
	سقز	۱۹	۱۲/۴	۴۲/۴
	نقده	۲۵	۱۶/۳	۵۸/۷
	مهاباد	۲۲	۱۴/۴	۷۳/۱
	شاهین‌دژ	۱۷	۱۱/۲	۸۴/۳
	اشنویه	۲۴	۱۵/۷	۱۰۰/۰
سن (سال)	< ۳۰	۳۰	۱۹/۶	۱۹/۶
	۳۰ تا ۴۰	۴۰	۲۶/۱	۴۵/۷
	۴۰ تا ۵۰	۳۳	۲۱/۶	۶۷/۳
	۵۰ تا ۶۰	۱۷	۱۱/۱	۷۸/۴
	≥ ۶۰	۳۳	۲۱/۶	۱۰۰/۰
سطح تحصیلات	بیسواد و زیر دیپلم	۷۷	۵۰/۴	۵۰/۴
	دیپلم	۵۳	۳۴/۶	۸۵/۰
	بالتر از دیپلم	۲۳	۱۵/۰	۱۰۰/۰
سابقه فعالیت (سال)	کمتر از ۱۰ سال	۳۹	۲۵/۵	۲۵/۵
	۱۰ تا ۲۰	۴۴	۲۸/۸	۵۴/۳
	۲۰ تا ۳۰	۳۰	۱۹/۶	۷۳/۹
	۳۰ سال و بیشتر	۴۰	۲۶/۱	۱۰۰/۰
شرکت در دوره‌های ترویجی-آموزشی	صفر	۹۵	۶۲/۱	۶۲/۱
	۱ تا ۲ دفعه	۳۶	۲۳/۵	۸۵/۶
	۳ تا ۴ دفعه	۲۰	۱۳/۱	۹۸/۷
	۵ دفعه و بیشتر	۲	۱/۳	۱۰۰/۰
میزان کل اراضی کشاورزی هر کشاورز (هکتار)	کمتر از ۵	۵۱	۳۳/۳	۳۳/۳
	۵ تا ۱۰	۵۹	۳۸/۶	۷۱/۹
	۱۰ تا ۱۵	۲۴	۱۵/۷	۸۷/۶
	۱۵ و بیشتر	۱۹	۱۲/۴	۱۰۰/۰
نوع بهره‌برداری	مالکیت	۸۷	۵۶/۹	۵۶/۹
	اجاره‌ای	۱۳	۸/۵	۶۵/۴
	درصدی	۱۱	۷/۲	۷۲/۶
	ترکیبی	۴۲	۲۷/۴	۱۰۰/۰



توزیع فروانی افراد بر اساس رفتار کاربری

نتایج به دست آمده از جدول ۲ نشان می‌دهد که از مجموع ۱۵۳ نفر افراد پاسخگو در پژوهش حاضر، ۵۶ نفر (۳۶/۶ درصد) از نمونه مورد مطالعه در ۵ سال گذشته در منطقه مورد مطالعه اقدام به تغییر کاربری اراضی کردند. در حالی که ۹۷ نفر (بیش از ۶۳ درصد نمونه) ادعا کردند که هیچ نوع تغییر کاربری در اراضی کشاورزی در چند سال گذشته انجام نداده‌اند.

جدول (۲). توزیع فروانی افراد بر اساس رفتار کاربری

متغیر	سطوح متغیر	فراوانی	درصد
رفتار کاربری	عدم تغییر	۹۷	۶۳/۴
	تغییر کاربری	۵۶	۳۶/۶

اولویت‌بندی رفتار نمونه مورد مطالعه

در ادامه تحقیق به منظور مقایسه نحوه مواجهه افراد دارای تغییر کاربری در چند سال گذشته و افراد بدون تغییر کاربری در نمونه مورد مطالعه از رتبه‌بندی رفتار دو گروه براساس میزان ضریب تغییرات استفاده شد. نتایج به دست آمده در این بخش به شرح زیر است.

بهره‌برداران دارای تغییر کاربری: نتایج نشان داد که رفتارهای "تغییر در روش کاشت محصولات (مثلا کاشت با شخم کم)" (میانگین ۴/۰۰)، "تغییر کاربری اراضی" (میانگین ۲/۶۹) و "استفاده از ارقام بومی" (میانگین ۲/۶۷)، نسبت به سایر رفتارها طرفدارهای بیشتر در بین کشاورزان منطقه مورد مطالعه که تغییر کاربری انجام داده‌اند، دارند. این در حالی است که گویه‌های "انتخاب نوع محصولات با توجه به اطلاعات موجود بارندگی و دمایی" (میانگین ۲/۲۰)، "توجه بیشتر به درخت‌کاری و حفظ جنگل‌ها و مراتع" (میانگین ۲/۳۴) و "رهاسازی بخشی از زمین‌های غیرحاصل‌خیز" (میانگین ۲/۴۱) از بین مجموع ۳۶ رفتار، به ترتیب در اولویت‌های ۳۵ و ۳۶ قرار گرفتند.

بهره‌برداران فاقد تغییر کاربری: نتایج به دست آمده در رفتارهای مواجهه نمونه مورد مطالعه که تغییر کاربری انجام نداده‌اند در جدول ۵ گزارش شده است. با توجه به این نتایج، رفتارهای "مهاجرت فصلی سرپرست خانوار به مکان دیگر برای کار" (میانگین ۲/۹۵)، "افزایش میزان استفاده از کود و سموم شیمیایی" (میانگین ۲/۷۴) و "مهاجرت دائمی به شهر" (میانگین ۳/۴۵)، نسبت به سایر رفتارها در اولویت بودند. اما با توجه به نتایج همین بخش و برخلاف افرادی که تغییر کاربری انجام داده بودند، رفتارهای "تغییر کاربری اراضی و انتخاب دیگر براساس شرایط آب و هوایی" (میانگین ۳/۲۷)، "رهاسازی بخشی از زمین‌های غیرحاصل‌خیز" (میانگین ۲/۵۲) و "استفاده از کانال‌های مدرن و سرپوشیده بجای کانال‌های گلی" (میانگین ۲/۱۲) از بین مجموع ۳۶ رفتار، به ترتیب در مکان‌های ۳۶، ۳۵ و ۳۴ قرار گرفتند.

جدول (۳). رتبه‌بندی رفتار کشاورزان به تفکیک دو گروه بهره‌برداران با تغییر کاربری و بدون تغییر کاربری

بهره‌برداران بدون تغییر کاربری				مصادیق رفتاری	بهره‌برداران با تغییر کاربری			
رتبه	*CV	SD	M		رتبه	*CV	SD	M
۱۲	۰/۳۹۴	۱/۰۸	۲/۷۴	تغییر در روش کاشت محصولات (مثلا کاشت با شخم کم)	۱	۰/۲۲۲	۰/۱۸۸	۴/۰۰
۳۶	۰/۷۴۶	۲/۴۴	۳/۲۷	تغییر کاربری اراضی و انتخاب دیگر براساس شرایط آب و هوایی	۲	۰/۲۸۲	۰/۱۷۶	۲/۶۹

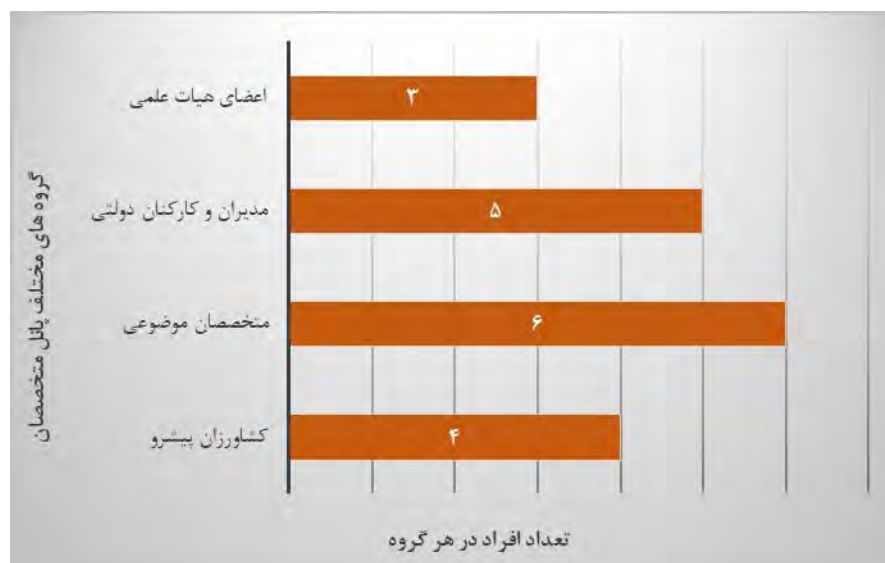
۳	۰/۲۸۸	۰/۷۷	۲/۶۷	استفاده از ارقام بومی	۳/۰۲	۱/۰۷	۰/۳۵۴	۶
۴	۰/۲۹۹	۰/۸۶	۲/۸۷	روی آوردن به دامداری یا توسعه آن	۳/۱۱	۱/۲۹	۰/۴۱۵	۱۷
۵	۰/۳۰۲	۰/۸۹	۲/۹۴	تغییر نوع کشت	۲/۵۹	۱/۱۳	۰/۴۳۶	۲۳
۶	۰/۳۰۵	۰/۹۵	۳/۱۴	مهاجرت دائمی به شهر	۳/۴۵	۱/۱۲	۰/۳۲۴	۳
۷	۰/۳۰۹	۰/۹۳	۳/۰۱	اجاره دادن زمین به شخص دیگر و یافتن شغل دیگر به غیر از کشاورزی	۳/۰۶	۱/۲۲	۰/۳۹۸	۱۴
۸	۰/۳۱۳	۰/۹۰	۲/۸۷	تغییر در نحوه آماده‌سازی زمین برای کاشت	۳/۱۳	۱/۰۶	۰/۳۳۸	۵
۹	۰/۳۱۴	۰/۸۲	۲/۶۱	تشویق کردن سایر کشاورزان به شرکت در دروه‌های ترویجی	۲/۹۳	۱/۱۱	۰/۳۷۸	۱۰
۱۰	۰/۳۲۷	۱/۰۰	۳/۰۵	توجه و پیگیری اطلاعات دما و حرارت در زمان کاشت، داشت و برداشت	۲/۵۷	۱/۱۸	۰/۴۵۹	۲۹
۱۱	۰/۳۲۹	۰/۸۵	۲/۵۸	توجه و پیگیری اطلاعات بارندگی در زمان کاشت، داشت و برداشت محصول	۲/۵۲	۱/۰۸	۰/۴۲۸	۲۱
۱۲	۰/۳۳۱	۱/۰۷	۳/۲۳	انتخاب برنامه (الگوی) آبیاری با توجه به اطلاعات موجود بارندگی و دمایی	۲/۷۵	۱/۰۹	۰/۳۹۶	۱۳
۱۳	۰/۳۳۱	۰/۸۳	۳/۵۸	مهاجرت فصلی سرپرست خانوار به مکان دیگر برای کار	۲/۹۵	۰/۹۳	۰/۳۱۵	۱
۱۴	۰/۳۳۲	۰/۹۳	۲/۸۰	عدم تجاوز به محدوده عرصه‌های طبیعی (مرتع- جنگل- رودخانه و ...)	۲/۵۲	۱/۰۵	۰/۴۱۶	۱۹
۱۵	۰/۳۳۹	۰/۹۹	۲/۹۲	استقبال از رفتارهای کارآفرینانه	۳/۲۰	۱/۲۴	۰/۳۸۷	۱۱
۱۶	۰/۳۴۰	۱/۰۰	۲/۹۴	تغییر در سیستم آبیاری (از سنتی به مدرن و یا نیمه مکانیزه)	۲/۸۲	۱/۰۴	۰/۳۶۸	۸
۱۷	۰/۳۴۳	۰/۹۸	۲/۸۵	در صورت امکان استفاده مجدد از پساب‌های تصفیه‌خانه‌ها و آب زهکشی‌ها	۲/۵۳	۱/۰۵	۰/۴۱۵	۱۸
۱۸	۰/۳۴۸	۱/۰۴	۲/۹۸	روی آوردن به مشاغل خانگی و صنایع دستی	۲/۳۰	۱/۱۲	۰/۴۸۶	۳۲
۱۹	۰/۳۴۹	۱/۰۱	۲/۸۹	استقبال و همکاری با برنامه‌های سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری	۲/۷۷	۱/۱۴	۰/۴۱۱	۱۵
۲۰	۰/۳۵۱	۱/۰۱	۲/۸۷	توجه به برنامه‌های آموزشی پخش شده از رادیو و تلویزیون	۲/۴۹	۱/۲۴	۰/۴۹۷	۳۳
۲۱	۰/۳۵۳	۱/۰۷	۳/۰۳	افزایش میزان استفاده از کود و سموم شیمیایی	۲/۷۴	۰/۹۹	۰/۳۱۶	۲
۲۲	۰/۳۵۵	۰/۹۸	۲/۷۶	تشویق کردن کشاورزان و روستاییان دیگر به روش‌های حفاظتی	۲/۸۶	۱/۲۵	۰/۴۳۷	۲۴
۲۳	۰/۳۵۶	۰/۹۹	۲/۷۸	عضویت در تعاونی‌ها (تعاونی آبران) و انجمن‌ها برای همکاری با یکدیگر	۳/۰۱	۱/۰۹	۰/۳۶۲	۷
۲۴	۰/۳۶۵	۰/۹۶	۲/۶۳	به آیش گذاشتن قطعاتی یا بخشی از زمین‌های زراعی به صورت نوبتی	۲/۸۸	۰/۹۶	۰/۳۳۳	۴
۲۵	۰/۳۶۸	۰/۹۹	۲/۶۹	انتخاب الگوی کشت با توجه به اطلاعات موجود بارندگی و دمایی	۲/۶۳	۱/۰۹	۰/۴۱۴	۱۶

۲۶	۰/۳۷۱	۰/۹۵	۲/۵۶	تعمیر و سیمان‌کاری کانال‌های آبیاری	۲/۵۷	۱/۱۴	۰/۴۴۳	۲۶
۲۷	۰/۳۷۵	۱/۰۷	۲/۸۵	توجه به توصیه‌های کارشناسان و شرکت بیشتر در دوره‌های ترویج کشاورزی	۲/۶۴	۱/۱۴	۰/۴۳۱	۲۲
۲۸	۰/۳۷۶	۱/۱۷	۳/۱۲	استفاده از تکنیک‌های حفاظتی آب و خاک در تولید محصول	۲/۷۴	۱/۲۰	۰/۴۳۷	۲۵
۲۹	۰/۳۸۲	۱/۰۴	۲/۷۲	استفاده از محصولات با دوره رشد کوتاه‌تر	۲/۸۷	۱/۰۷	۰/۳۷۲	۹
۳۰	۰/۳۸۳	۱/۰۵	۲/۷۴	استفاده از ارقام مقاوم‌تر به تغییرات آبی و هوایی	۲/۲۹	۱/۰۹	۰/۴۷۵	۳۱
۳۱	۰/۳۸۹	۰/۹۷	۲/۴۹	ارتباط مداوم با کارشناس بخش ترویج کشاورزی	۲/۳۴	۱/۰۹	۰/۴۶۵	۳۰
۳۲	۰/۳۹۸	۰/۹۴	۲/۳۶	استفاده از کانال‌های مدرن و سرپوشیده بجای کانال‌های گلی	۲/۱۲	۱/۰۶	۰/۵۰۰	۳۴
۳۳	۰/۴۰۸	۱/۰۳	۲/۵۲	بیمه‌کردن محصولات کشاورزی	۲/۴۷	۱/۱۰	۰/۴۴۵	۲۷
۳۴	۰/۴۱۹	۱/۰۱	۲/۴۱	رهاسازی بخشی از زمین‌های غیرحاصل‌خیز	۲/۵۲	۱/۲۸	۰/۵۰۷	۳۵
۳۵	۰/۴۱۰	۰/۹۶	۲/۳۴	توجه بیشتر به درخت‌کاری و حفظ جنگل‌ها و مراتع	۳/۰۵	۱/۳۷	۰/۴۴۹	۲۸
۳۶	۰/۴۴۵	۰/۹۸	۲/۲۰	انتخاب نوع محصولات با توجه به اطلاعات موجود بارندگی و دمایی	۲/۷۵	۱/۱۵	۰/۴۱۸	۲۰

* رتبه‌بندی براساس ضریب تغییرات صورت گرفته است. میانگین دیدگاه کلی را در مورد هر گویه نشان می‌دهد.

تحلیل ذی‌نفعان براساس ماتریس قدرت-منافع

در این بخش از مطالعه به منظور نحوه ساماندهی و مدیریت کابری اراضی در مناطق کشاورزی و روستایی و ارائه راهکار مناسب در محدوده مورد مطالعه از روش‌شناسی تحلیل ذی‌نفعان با استفاده از تکنیک علمی و روز این روش، یعنی ماتریس قدرت - منافع استفاده شد و اقدام به تحلیل میزان تاثیرگذاری و نقش آفرینی هریک در راستای اهداف شد. نمودار ۱ تعداد پاسخ‌دهندگان (پانل متخصصان) به پرسشنامه‌های توزیع شده به صورت تفکیکی در این مرحله از تحقیق را نشان می‌دهد.



نمودار (۱). تعداد اعضای پانل متخصصان به صورت تفکیکی

چنانچه در نمودار فوق مشاهده می‌شود، بیشترین تعداد مشارکت کننده در این بخش از تحقیق حاضر به ترتیب دانشجویان دوره دکتری، مدیران سازمان‌ها و ادارات مربوطه، بهره‌برداران موفق و پیشرو و اعضای هیات علمی دانشگاه بودند.

در این بخش از تحقیق برای انجام کار ابتداء با استفاده از نظرات متخصصان حوزه مورد نظر، تمامی ذی‌نفعان بدون نام‌گذاری کلیدی و غیرکلیدی فهرست شدند. نتایج در زیر قابل مشاهده می‌باشد.

بهره‌برداران (کشاورزان) در سطح مزارع، سازمان جهاد کشاورزی، سازمان آب منطقه، سازمان آب و فاضلاب، ستاد احیای دریاچه ارومیه، سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری، صدا و سیما، رسانه‌های اجتماعی، رسانه‌های نوشتاری، مراکز تحقیقات کشاورزی، هواشناسی، گردشگران، راه و شهرسازی، NGOها و سازمان‌های مردم‌نهاد، بنیاد مسکن، سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، رهبران محلی (پزشکان، اساتید دانشگاه، شخصیت‌های علمی و اجتماعی)، مدیران محلی (ریش سفیدان، روحانیون، شوراها، دهیاران)، دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی، آموزش و پرورش، شهرک‌ها و واحدهای صنعتی، سازمان تعاون روستایی، بهره‌برداران منطقه مورد مطالعه، شرکت‌های پیمانکاری (سدسازی و حفر توتل) و کارگاه‌های شن و ماسه.

سپس در گام بعدی تیم مطالعاتی پس از طراحی ماتریس قدرت - منافع، آن را در اختیار اعضای پانل متخصصان قرار داد و از آن‌ها خواست با حوصله اقدام به تکمیل ماتریس فوق نمایند. سپس ماتریس فوق جمع‌آوری، و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتیجه حاصل از تحلیل تمامی ماتریس‌ها، در ماتریس‌هایی که در ادامه به تفکیک حوزه‌های مختلف قابل مشاهده می‌باشد، ارائه شده است.

۱ - حوزه آگاه‌سازی و فرهنگی - اجتماعی: در ادامه ماتریس مربوط به تجزیه و تحلیل ذی‌نفعان در ارائه و تدوین

برنامه در حوزه آگاه‌سازی و فرهنگی - اجتماعی عمومی ارائه شده است.



جدول (۴). ماتریس قدرت- منافع ذی‌نفعان در بخش آموزش، آگاه‌سازی و فرهنگ‌سازی عمومی

<ul style="list-style-type: none"> • رسانه‌های اجتماعی • رسانه‌های نوشتاری • NGO ها و سازمان‌های مردم‌نهاد • رهبران فرا محلی (پزشکان، شخصیت‌های علمی و اجتماعی) • مدیران محلی (ریش سفیدان، روحانیون، شوراها، دهیاران) • دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی • آموزش و پرورش 	<ul style="list-style-type: none"> • سازمان جهاد کشاورزی • ستاد احیای دریاچه ارومیه • صدا و سیما • مراکز تحقیقات کشاورزی
<ul style="list-style-type: none"> • هواشناسی • گردشگران • راه و شهرسازی • بنیاد مسکن 	<ul style="list-style-type: none"> • بهره‌برداران منطقه مورد مطالعه • شرکت‌های پیمانکاری (سدسازی و حفر توتل) • کارگاه‌های شن و ماسه • سازمان تعاون روستایی • سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری • سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری • سازمان آب منطقه • سازمان آب و فاضلاب • شهرک‌ها و واحدهای صنعتی

بر اساس این ماتریس که شامل چهار سلول می‌باشد، ذی‌نفعان از لحاظ منافع نسبت به تدوین برنامه در راستای کاهش آثار منفی تغییرات کاربری در حوزه آگاه‌سازی و بعد فرهنگی - اجتماعی از یک سو، و از سوی دیگر، قدرتی که به لحاظ تاثیرگذاری در این حوزه دارند، جانمایی می‌شوند.

بر این اساس دسته اول که به عنوان بازیگران کلیدی شناخته می‌شوند و در ماتریس فوق با رنگ قرمز نشان داده شده‌اند، بازیگرانی توانا هستند که علاقه/منفعت و قدرت بالایی دارند. این دسته از ذی‌نفعان عبارتند از سازمان جهاد کشاورزی، ستاد احیای دریاچه ارومیه، صدا و سیما و مراکز تحقیقات کشاورزی. در واقع این ذی‌مدخلان نقش بسیار مهمی در حوزه آگاه‌سازی و بعد فرهنگی - اجتماعی دارند و لازم است تا در زمینه آموزش بهره‌برداران، تقویت فرهنگ عمومی جامعه، اطلاع‌رسانی در موارد مختلف به کشاورزان، نوع و میزان کشت محصولات مورد نیاز، ارائه برنامه‌های حفاظتی، ترویج روش‌های نوین کاشت، دانش و برداشت محصولات کشاورزی و فرهنگ سازی عمومی برای حفظ منابع طبیعی اعم از بهره‌برداران و غیر کشاورزان در صحنه حضوری پررنگ داشته باشند.

دسته دوم که در ماتریس فوق با رنگ زرد نشان داده شده‌اند، ذی‌مدخلانی هستند که قدرت تاثیرگذاری بالایی بر آگاه‌سازی و بعد فرهنگی - اجتماعی دارند، اما از سطح منافع پایین‌تری برخوردارند. این دسته از ذی‌مدخلان شامل رسانه‌های اجتماعی، رسانه‌های نوشتاری، NGO ها و سازمان‌های مردم‌نهاد، رهبران فرا محلی (پزشکان، شخصیت‌های علمی و اجتماعی)، مدیران محلی (ریش سفیدان، روحانیون، شوراها، دهیاران)، دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی و آموزش و پرورش هستند. با این گروه از ذی‌نفعان می‌بایست ارتباطی

موثر برقرار نمود تا در صورت نیاز بتوان حمایت آنها را جلب کرد، در واقع اقدامات این گروه می‌تواند در بعد فرهنگ سازی برای حفظ محیط زیست و تقویت کشاورزی پایدار بسیار مثرتر باشد.

دسته سوم که با رنگ قهوه‌ای نشان داده شده‌اند، آن دسته از ذی‌نفعان هستند که تمایل بالایی نسبت به آگاه‌سازی و بعد فرهنگی - اجتماعی دارند و از آنها منتفع می‌شوند، اما قدرت زیادی جهت تاثیرگذاری بر این امر ندارند. این دسته ذی‌نفعان عبارتند از: بهره‌برداران منطقه مورد مطالعه، شرکت‌های پیمانکاری (سدسازی و حفر توتل)، کارگاه‌های شن و ماسه، سازمان تعاون روستایی، سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری، سازمان آب منطقه، سازمان آب و فاضلاب و شهرک‌ها و واحدهای صنعتی.

در نهایت دسته چهارم ذی‌نفعانی هستند که با رنگ سبز در ماتریس فوق نشان داده شده‌اند؛ این دسته از ذی‌نفعان که عبارتند راه و شهرسازی، بنیاد مسکن، هواشناسی و گردشگران منافع و علاقه زیادی نسبت به مشارکت در حوزه آگاه‌سازی و بعد فرهنگی - اجتماعی ندارند و همچنین قدرت تاثیرگذاری آنها نیز به نسبت باقی دستگاه‌ها پایین‌تر است. البته نایبستی به نقش اداره کل هواشناسی در اقدامات مدیریتی پیش از وقوع بلایای طبیعی بی‌توجه بود.

۲ - طراحی، تدوین و اجرای برنامه‌های حفاظتی در جهت حفظ محیط زیست : در ادامه ماتریس مربوط به

تجزیه و تحلیل ذی‌نفعان در طرح، ارائه و اجرای برنامه‌های حفاظتی در جهت حفظ محیط زیست ارائه شده است.

جدول (۵). ماتریس قدرت- منافع ذی‌نفعان در طراحی، تدوین و اجرای برنامه‌های حفاظتی در جهت حفظ محیط زیست

<ul style="list-style-type: none"> • رسانه‌های اجتماعی • رسانه‌های نوشتاری • رهبران فرا محلی (پزشکان، شخصیت‌های علمی و اجتماعی) • مدیران محلی (ریش سفیدان، روحانیون، شوراهای دهیاران) • آموزش و پرورش 	<ul style="list-style-type: none"> • سازمان جهاد کشاورزی • ستاد احیای دریاچه ارومیه • صدا و سیما • مراکز تحقیقات کشاورزی • سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری • سازمان آب منطقه • سازمان آب و فاضلاب • دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی • بهره‌برداران منطقه مورد مطالعه • راه و شهرسازی • بنیاد مسکن • NGO ها و سازمان‌های مردم نهاد
<ul style="list-style-type: none"> • هواشناسی • گردشگران • سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری 	<ul style="list-style-type: none"> • شرکت‌های پیمانکاری (سدسازی و حفر توتل) • کارگاه‌های شن و ماسه • سازمان تعاون روستایی • شهرک‌ها و واحدهای صنعتی

در ادامه تحقیق براساس نظر متخصصان، ذی‌نفعان از لحاظ منافع نسبت به تدوین برنامه در راستای کاهش آثار منفی تغییرات کاربری در حوزه طراحی، تدوین و اجرای برنامه‌های حفاظتی در جهت حفظ محیط زیست و همچنین قدرت ذی‌نفعان در ماتریس قدرت - منافع جانمایی شدند.

با توجه به یافته‌های به دست آمده، دسته اول که به عنوان ذی‌نفعان کلیدی شناخته می‌شوند و در سلول قرمز رنگ جایی گرفتند، بازیگرانی توانا هستند که علاقه/منفعت و قدرت بالاتری نسبت به سایر بازیگران دارند. این دسته از ذی‌نفعان بی‌شبهت به دسته اصلی در مرحله آگاه‌سازی و فرهنگی - اجتماعی نسبت و شامل

سازمان جهاد کشاورزی، ستاد احیای دریاچه ارومیه، صدا و سیما، مراکز تحقیقات کشاورزی، سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری، سازمان آب منطقه، سازمان آب و فاضلاب، دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی، بهره‌برداران منطقه مورد مطالعه، راه و شهرسازی، بنیاد مسکن و NGOها و سازمان‌های مردم‌نهاد می‌باشد. در واقع این ذی‌مدخلان نقش بسیار مهمی در تدوین برنامه در راستای کاهش آثار منفی تغییرات کاربری در حوزه طراحی، تدوین و اجرای برنامه‌های حفاظتی در جهت حفظ محیط زیست دارند و لازم است تا در حوزه طراحی، تدوین و اجرای برنامه‌های حفاظتی در جهت حفظ محیط زیست در صحنه حضوری پررنگ داشته باشند.

در دسته دوم ماتریس بازیگرانی جانمایی شدند که قدرت تاثیرگذاری بالایی در تدوین برنامه در راستای کاهش آثار منفی تغییرات کاربری با توجه به تغییرات اقلیم در حوزه طراحی، تدوین و اجرای برنامه‌های حفاظتی در جهت حفظ محیط زیست دارند، اما از سطح منافع پایین‌تری در این زمینه برخوردارند. این دسته از ذی‌مدخلان شامل رسانه‌های اجتماعی، رسانه‌های نوشتاری، رهبران فرا محلی (پزشکان، شخصیت‌های علمی و اجتماعی)، مدیران محلی (ریش سفیدان، روحانیون، شوراهای دهیاران) و آموزش و پرورش می‌باشد. ارتباط با این گروه می‌تواند در حوزه طراحی، تدوین و اجرای برنامه‌های حفاظتی در جهت حفظ محیط زیست بسیار با اهمیت باشد.

دسته سوم که با رنگ قهوه‌ای نشان داده شده‌اند، آن دسته از ذی‌نفعان هستند که منافع بالایی نسبت به طراحی، تدوین و اجرای برنامه‌های حفاظتی در جهت حفظ محیط زیست دارند و از آن‌ها منتفع می‌شوند، اما قدرت زیادی جهت تاثیرگذاری بر این امر ندارند. این دسته ذی‌نفعان عبارتند از: شرکت‌های پیمانکاری (سدسازی و حفر توتل)، کارگاه‌های شن و ماسه، سازمان تعاون روستایی و شهرک‌ها و واحدهای صنعتی.

دسته چهارم که با رنگ سبز در ماتریس مشخص شدند عبارتند از: سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، هواشناسی و گردشگران. این دسته منافع و قدرت زیادی در تدوین برنامه در راستای کاهش آثار منفی تغییرات کاربری در حوزه طراحی، تدوین و اجرای برنامه‌های حفاظتی در جهت حفظ محیط زیست ندارند.

۳ - حوزه نظارت بر قوانین و دادن مجوزها و تسهیلات مرتبط با تغییر کاربری اراضی کشاورزی: در

ادامه ماتریس مربوط به تجزیه و تحلیل ذی‌نفعان در حوزه نظارت بر قوانین و دادن مجوزها و تسهیلات مرتبط با تغییر کاربری اراضی کشاورزی ارائه شده است.

جدول (۶). ماتریس قدرت-منافع ذی‌نفعان در حوزه نظارت بر قوانین و دادن مجوزها مرتبط با تغییر کاربری اراضی کشاورزی

<ul style="list-style-type: none"> رهبران فرا محلی (پزشکان، شخصیت‌های علمی و اجتماعی) مدیران محلی (ریش سفیدان، روحانیون، شوراهای دهیاران) NGOها و سازمان‌های مردم‌نهاد سازمان تعاون روستایی صدا و سیما رسانه‌های اجتماعی رسانه‌های نوشتاری 	<ul style="list-style-type: none"> سازمان جهاد کشاورزی سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری سازمان آب منطقه سازمان آب و فاضلاب راه و شهرسازی بنیاد مسکن سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری
---	---

• هوشناسی	• ستاد احیای دریاچه ارومیه
• گردشگران	• شرکت‌های پیمانکاری (سدسازی و حفر توتل)
• مراکز تحقیقات کشاورزی	• کارگاه‌های شن و ماسه
• دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی	• شهرک‌ها و واحدهای صنعتی
• آموزش و پرورش	• بهره‌برداران منطقه مورد مطالعه

ذی‌نفعان شناسایی شده در مرحله اول توسط پانل متخصصان موضوعی در حوزه نظارت بر قوانین و دادن مجوزها و تسهیلات مرتبط با تغییر کاربری اراضی کشاورزی نیز از لحاظ قدرت و منافع در راستای تدوین برنامه در راستای کاهش آثار منفی تغییرات کاربری با توجه به تغییرات اقلیم امتیازبندی و جانمایی شدند.

با توجه به جانمایی صورت گرفته در دسته اول که با رنگ قرمز مشخص شده، سازمان جهاد کشاورزی، سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری، سازمان آب منطقه، سازمان آب و فاضلاب، راه و شهرسازی، بنیاد مسکن و سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری قرار گرفتند. این بازیگران به عنوان بازیگران اصلی در تدوین برنامه‌ریزی در راستای کاهش آثار منفی تغییرات کاربری در حوزه نظارت بر قوانین و دادن مجوزها و تسهیلات مرتبط با تغییر کاربری اراضی کشاورزی به شمار می‌روند. در نتیجه این بازیگران نقش اصلی و کلیدی در نظارت بر دادن مجوزها، رعایت قوانین مربوطه و مدیریت تسهیلات دارند و لازم است مسئولیت پرنرنگی را در این بخش به عهده بگیرند.

بر اساس این رویکرد، دسته دوم که در ماتریس فوق با رنگ زرد نشان داده شده‌اند، ذی‌نفعان با سطح منافع پایین و قدرت نفوذ بالا در حوزه نظارت بر قوانین و دادن مجوزها و تسهیلات مرتبط با تغییر کاربری اراضی کشاورزی در راستای تدوین برنامه‌ریزی جهت کاهش آثار منفی تغییرات کاربری قرار دارند. این دسته از ذی‌مدخلان شامل افراد پر نفوذ از جمله رهبران فرا محلی (پزشکان، شخصیت‌های علمی و اجتماعی)، مدیران محلی (ریش سفیدان، روحانیون، شوراها، دهیاران)، NGOها و سازمان‌های مردم نهاد، سازمان تعاون روستایی، صدا و سیما، رسانه‌های اجتماعی و رسانه‌های نوشتاری می‌باشند.

ستاد احیای دریاچه ارومیه، شرکت‌های پیمانکاری (سدسازی و حفر توتل)، کارگاه‌های شن و ماسه، شهرک‌ها و واحدهای صنعتی و بهره‌برداران منطقه مورد مطالعه ذی‌نفعانی هستند که با رنگ قهوه‌ای مشخص شده‌اند که دارای قدرت کم و سطح منافع بالایی در حوزه نظارت بر قوانین و دادن مجوزها و تسهیلات مرتبط با تغییر کاربری اراضی هستند.

در دسته چهارم ماتریس حاصله از اتفاق نظر متخصصان، هوشناسی، گردشگران، مراکز تحقیقات کشاورزی، دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی و آموزش و پرورش جا خوش کردند. این ذی‌نفعان در حوزه نظارت بر قوانین و دادن مجوزها و تسهیلات مرتبط با تغییر کاربری اراضی کشاورزی در راستای برنامه‌ریزی برای کاهش آثار منفی تغییرات کاربری به عنوان ذی‌نفعان کم اهمیت به شمار می‌روند که نه قدرت بالا و نه سطح منافع قابل توجهی در این زمینه دارند.

۴ - حرکت به سمت کشاورزی حفاظتی و پایدار: در ادامه ماتریس مربوط به تجزیه و تحلیل ذی‌نفعان در

حرکت به سمت کشاورزی حفاظتی و پایدار ارائه شده است.



جدول (۷). ماتریس قدرت- منافع ذی‌نفعان در حرکت به سمت کشاورزی حفاظتی و پایدار

<ul style="list-style-type: none"> • رهبران فرا محلی (پزشکان، شخصیت‌های علمی و اجتماعی) • مدیران محلی (ریش سفیدان، روحانیون، شوراها، دهیاران) • NGOها و سازمان‌های مردم نهاد • سازمان تعاون روستایی • صدا و سیما • رسانه‌های اجتماعی • رسانه‌های نوشتاری • دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی 	<ul style="list-style-type: none"> • سازمان جهاد کشاورزی • بهره‌برداران منطقه مورد مطالعه • هواشناسی • مراکز تحقیقات کشاورزی • سازمان آب منطقه • سازمان آب و فاضلاب
<ul style="list-style-type: none"> • گردشگران • آموزش و پرورش • راه و شهرسازی • بنیاد مسکن • سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری • شرکت‌های پیمانکاری (سدسازی و حفر توتل) • کارگاه‌های شن و ماسه • شهرک‌ها و واحدهای صنعتی 	<ul style="list-style-type: none"> • ستاد احیای دریاچه ارومیه • سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری

در ماتریس به دست آمده از اجماع نظر متخصصان در برنامه‌ریزی برای کاربری اراضی در راستای کاهش آثار منفی تغییرات کاربری در حوزه حرکت به سمت کشاورزی حفاظتی و پایدار سازمان جهاد کشاورزی، بهره‌برداران منطقه مورد مطالعه، هواشناسی، مراکز تحقیقات کشاورزی، سازمان آب منطقه و سازمان آب و فاضلاب در دسته اول که با رنگ قرمز مشخص، و به عنوان بازیگران کلیدی نامبرده می‌شوند، قرار گرفتند. این گروه که دارای قدرت بالا و سطح بالایی از خواسته و علاقه هستند، باید به عنوان گروه اصلی نسبت به برنامه‌ها از خود واکنش نشان دهند.

دسته دوم که با رنگ زرد در ماتریس مشخص شدند که شامل رهبران فرا محلی (پزشکان، شخصیت‌های علمی و اجتماعی)، مدیران محلی (ریش سفیدان، روحانیون، شوراها، دهیاران)، NGOها و سازمان‌های مردم نهاد، سازمان تعاون روستایی، صدا و سیما، رسانه‌های اجتماعی و نوشتاری و دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی می‌باشد. این دسته با وجود عدم منافع، دارای قدرت بالایی در واکنش به حرکت به سمت کشاورزی حفاظتی و پایدار دارند. در نتیجه برقراری ارتباط با این دسته بسیار مهم تلقی می‌شود.

ستاد احیای دریاچه ارومیه و سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری در دسته سوم قرار گرفت. بازیگران این گروه دارای قدرت کم و سطح بالایی از خواسته و علاقه می‌باشد. در نتیجه باید مطلع نگه‌داشته شوند و راضی نگه‌داشته شوند.

در خانه چهارم ماتریس، گردشگران، آموزش و پرورش، راه و شهرسازی، بنیاد مسکن، سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، شرکت‌های پیمانکاری (سدسازی و حفر توتل)، کارگاه‌های شن و ماسه و شهرک‌ها و واحدهای صنعتی جانمایی شدند. این

گروه از ذی‌نفعان قدرت کم و کمترین سطح خواسته را در برنامه‌ریزی در راستای کاهش آثار منفی تغییرات کاربری در حوزه حرکت به سمت کشاورزی حفاظتی و پایدار دارند.

حوزه مدیریت صنایع و مشاغل آلاینده و مخرب محیط زیست: در ادامه ماتریس مربوط به تجزیه و تحلیل ذی‌نفعان در حوزه مدیریت صنایع و مشاغل آلاینده و مخرب محیط زیست ارائه شده است.

جدول (۸). ماتریس قدرت - منافع ذی‌نفعان در مدیریت صنایع و مشاغل آلاینده و تخریب محیط زیست

<ul style="list-style-type: none"> • مدیران محلی (ریش سفیدان، روحانیون، شوراها، دهیاران) • رسانه‌های اجتماعی • رسانه‌های نوشتاری • دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی 	<ul style="list-style-type: none"> • سازمان جهاد کشاورزی • سازمان آب منطقه • سازمان آب و فاضلاب • شرکت‌های پیمانکاری (سدسازی و حفر توتل) • کارگاه‌های شن و ماسه • شهرک‌ها و واحدهای صنعتی • صدا و سیما • NGOها و سازمان‌های مردم نهاد • راه و شهرسازی • بنیاد مسکن
<ul style="list-style-type: none"> • هواشناسی • آموزش و پرورش • رهبران محلی (پزشکان، شخصیت‌های علمی و اجتماعی) 	<ul style="list-style-type: none"> • ستاد احیای دریاچه ارومیه • سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری • بهره‌برداران منطقه مورد مطالعه • گردشگران • مراکز تحقیقات کشاورزی • سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری • سازمان تعاون روستایی

در نتایج به دست آمده از جانمایی ماتریس قدرت - منافع در برنامه‌ریزی در راستای کاهش آثار منفی تغییرات کاربری در حوزه مدیریت صنایع و مشاغل آلاینده و مخرب محیط زیست، سازمان جهاد کشاورزی، سازمان آب منطقه، سازمان آب و فاضلاب، شرکت‌های پیمانکاری (سدسازی و حفر توتل)، کارگاه‌های شن و ماسه، شهرک‌ها و واحدهای صنعتی، صدا و سیما، NGOها و سازمان‌های مردم نهاد، راه و شهرسازی و بنیاد مسکن در دسته اول قرار گرفتند.

مدیران محلی (ریش سفیدان، روحانیون، شوراها، دهیاران)، رسانه‌های اجتماعی، رسانه‌های نوشتاری و دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی که دارای منافع کم و قدرت بالایی در حوزه مدیریت صنایع و مشاغل آلاینده و مخرب محیط زیست هستند در گروه دوم قرار گرفتند.

ستاد احیای دریاچه ارومیه، سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری، بهره‌برداران منطقه مورد مطالعه، گردشگران، مراکز تحقیقات کشاورزی، سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری و سازمان تعاون روستایی در خانه قهوه‌ای رنگ قرار گرفتند. این گروه از بازیگران هر چند قدرت نفوذ بالایی در حوزه مدیریت صنایع و مشاغل آلاینده و مخرب محیط زیست در راستای تهیه برنامه برای کاهش آثار منفی تغییرات کاربری ندارند، اما از سطح منافع بالایی در این زمینه برخوردارند.



هواشناسی، آموزش و پرورش و رهبران فرا محلی (پزشکان، شخصیت‌های علمی و اجتماعی) ذی‌نفعانی با قدرت کم و کمترین سطح خواسته هستند که در خانه چهارم ماتریس در حوزه مدیریت صنایع و مشاغل آلاینده و مخرب محیط زیست جا خوش کردند.

بحث و بررسی

نتایج بخش توصیفی یافته‌ها نشان داده که بیشتر افراد نمونه مورد مطالعه بهره‌برداران با میانگین سنی بالا و خرده مالک هستند که بی‌سواد و یا دارای سطح سواد پایین بودند. مؤلفه‌های بیان شده از جمله خرده مالکی، سطح سواد کم بهره‌برداران و میانگین سنی بالای آنها از ساختار سنتی بسیاری از کشورها از جمله ایران به شمار می‌روند. در نظام کشت و کار و زمین‌داری اغلب کشورها این نسبت‌ها کم و بیش متفاوت است، اما به یکی از موانع اصلی توسعه کشاورزی تبدیل شده است. هر چند باید اشاره کرد که اگر به همین بهره‌برداران و مزارع کوچک بها داده شود نتیجه بخش خواهد بود. چنانچه در اغلب کشورهای آسیا شاهد توسعه کشاورزی به‌ویژه توسعه پایدار کشاورزی با استفاده از همین ظرفیت‌ها بوده‌ایم. تجربه کشورهای چین، هندوستان، نپال، چین و بسیاری از کشورهای اروپایی و غیره نشان می‌دهد که توسعه پایدار کشاورزی در سایه اهمیت دادن این کشورها به مزارع کوچک و متوسط بوده است.

در نتایج به دست آمده از بخش واکاوی عملکرد نمونه مورد مطالعه نشان داده شد که بهره‌برداران دارای تغییر کاربری در چند سال گذشته و بهره‌برداران بدون تغییر کاربری تفاوت‌ها و شباهت‌هایی در رفتار کاربران وجود داشت. می‌توان نتیجه گرفت که وجود شباهت‌های بیان شده در یافته‌ها نشان می‌دهد که در بیشتر موارد افراد مورد مطالعه دیدگاه مشترکی داشته‌اند. اما آنچه موجب قرار گرفتن این افراد در دو گروه مختلف دارای تغییر کاربری و عدم تغییر کاربری شده‌اند، موقعیتی بوده است که در آن قرار گرفتند. به عبارتی، افرادی که دارای شرایط مناسب برای تغییر کاربری از جمله همجواری با مراتع عمومی و یا داشتن مراتع شخصی، دارا بودن توان مالی برای تغییر کاربری و سایر مسائل بوده‌اند، اقدام کردند. لذا، تغییر کاربری ندادن لزوماً به دلیل آگاهی و درک پیامدهای آن نبوده است. لازم به ذکر است که براساس بیشتر مطالعات (فتحیان و همکاران ۱۳۹۲؛ قدوسی و همکاران ۱۳۹۳؛ فتحیان ۱۳۹۰؛ محمدزاده و همکاران ۱۳۹۲)، اغلب تغییرات کاربری اتفاق افتاده در حوضه آبریز دریاچه ارومیه، به صورت کاهش مراتع و جنگل‌ها و افزایش مزارع کشاورزی و باغات انجام گرفته است. همچنین با توجه به نتایج در بسیاری از موارد اولویت رفتارها بین افراد نمونه که تغییر کاربری انجام داده‌اند با افرادی نمونه که تغییر کاربری انجام نداده‌اند، تفاوت‌هایی وجود دارد. چنانچه در افراد دارای تغییر کاربری رفتارهای "تغییر در روش کاشت محصولات (مثلاً کاشت با شخم کم)" و "تغییر کاربری اراضی و انتخاب دیگر براساس شرایط آب و هوایی" در اولویت اول و دوم و جزء رفتارهای اصلی افراد دارای تغییر کاربری بوده است. در حالی که این رفتارها در افراد بدون تغییر کاربری به ترتیب جزء اولویت‌های ۱۲ و ۳۶ بوده‌اند. وجود تفاوت در دیدگاه دو گروه از این منظر هم قابل تامل است که کشاورزان دارای تغییر کاربری رفتارهای فعالانه عقلایی یا دانش محور از جمله تغییر در روش کاشت و یا استفاده از ارقام بومی را در اولویت قرار دادند. اما گروه مقابل رفتارهای از قبیل مهاجرت دائمی و فصلی (رفتار انفعالی) و یا افزایش استفاده از سموم کشاورزی (رفتار فعالانه غیرعقلایی) را مورد توجه قرار داده‌اند. هر چند در مواردی هم بین این دو گروه کم و بیش مشابهت‌ها و نزدیکی‌های در رفتار افراد مورد مطالعه وجود داشته است. از جمله می‌توان به رفتارهای "تشویق کردن سایر کشاورزان به شرکت در دروه‌های ترویجی" در بهره‌برداران دارای تغییر کاربری اولویت ۹ و در افراد دارای عدم تغییر کاربری اولویت ۱۰، "انتخاب برنامه (الگوی) آبیاری با توجه به اطلاعات موجود بارندگی و دمایی" در افرادی دارای تغییر کاربری اولویت ۱۲ و در افراد دارای عدم تغییر کاربری اولویت ۱۳، "در صورت امکان استفاده مجدد از پساب‌های تصفیه‌خانه‌ها و آب زهکشی‌ها" در افرادی دارای تغییر کاربری اولویت ۱۷ و در افراد دارای عدم تغییر کاربری اولویت ۱۸ و همچنین "استفاده از ارقام مقاوم‌تر به تغییرات آبی و هوایی" و "ارتباط مداوم با کارشناس بخش ترویج کشاورزی" که تا حدودی در اولویتهای مشابه و نزدیک بهم قرار گرفتند، اشاره کرد. این امر می‌تواند به دلیل نزدیکی افراد دو گروه در بسیاری از موارد (اعم از دیدگاه و رفتار آنها) باشد. ولی آنچه آنها را از همدیگر در دو گروه دارای تغییر کاربری و عدم تغییر کاربری قرار داده است، فراهم نبودن شرایط تغییر برای سایر افراد که تغییر کاربری انجام نداده‌اند باشد. برای نمونه اکثر زمین‌های کشاورزی که تغییر کاربری داده شده‌اند، در همجواری مراتع و جنگل‌ها بوده است. به عبارتی، این گروه از افراد شرایط تغییر کاربری داشته‌اند. در نتیجه افرادی که تغییر کاربری انجام نداده‌اند، لزوماً به دیدگاه، دانش و

میزان آگاهی آنها از پیامدها و سایر ویژگی‌های حرفه‌ای و شخصی مرتبط نیست. بلکه بخشی از آن می‌تواند ناشی از نبود شرایط از جمله همجوار نبودن با مراتع و جنگل‌ها یا اراضی بایر باشد. چنانچه نتایج مطالعه صالحی و محبوبی (۱۳۹۱) نشان داد که از نظر تولیدکنندگان، مهم‌ترین عامل برای تغییر کاربری اراضی کشاورزی، درآمد و سودآوری بیشتر، قیمت مناسب‌تر و دستمزد کمتر کارگر می‌باشد. لذا معیشت خانواده می‌تواند مهم‌ترین دلیل برای تغییر کاربری اراضی از دیدگاه کشاورز باشد.

با توجه به نتایج، مدیریت اراضی کشاورزی از جمله موضوعاتی است که مورد توجه ویژه‌ای قرار گرفته و ذی‌نفعان متعددی در آن سهیم هستند. ذی‌نفعان کلیدی طراحی چارچوب و شناسایی اولویت‌ها جهت ساماندهی کاربری اراضی به عنوان رهیافت توسعه پایدار سازمان جهاد کشاورزی، ستاد احیای دریاچه ارومیه، صدا و سیما، مراکز تحقیقات کشاورزی، سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری، سازمان آب منطقه، سازمان آب و فاضلاب، دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی، بهره‌برداران منطقه مورد مطالعه، NGO ها و سازمان‌های مردم‌نهاد در بیشتر حوزه‌ها بودند. بنابراین، در طراحی چارچوب و شناسایی اولویت‌ها جهت ساماندهی کاربری اراضی ذی‌نفعان مختلفی وجود دارند، بدین صورت می‌توان با طراحی شبکه‌ی ذی‌نفعان ساماندهی اراضی، تشکیل شورای شهرستانی و استانی مشخص شدن پتانسیل، نقش و وظایف هر یک از ذی‌نفعان، به صورت نظام‌مند و منسجم در راستای ساماندهی کاربری اراضی، سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری نمود و راهبردهای مؤثری را در جهت تحقق اهداف مربوط به کار گرفت. در نتیجه مدیریت صحیح و ارائه برنامه‌ریزی برای ساماندهی امور مرتبط با آن از طریق مشارکت هدفمند و سازنده تمامی بهره‌برداران و جوامع محلی امکان پذیر خواهد بود. زیرا همانطور که در نتایج به دست آمده مشخص است، بهره‌برداران در کنار سازمان‌هایی هم‌چون جهاد کشاورزی، صدا و سیما، جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری، آب منطقه و ستاد احیاء دریاچه ارومیه به عنوان ذی‌نفع اصلی و کلیدی جانمایی شده است. بنابراین، کشاورزان می‌توانند به عنوان عنصر اصلی در برنامه‌ریزی‌ها مورد توجه قرار گیرند و مشارکت داده شوند و این ذی‌نفعان را می‌توان در گروه تاثیرگذاران قرار داد. در نتیجه مشارکت بهره‌برداران در تهیه برنامه‌ریزی کاربری اراضی کشاورزی یکی از اساسی‌ترین شالوده‌های توسعه پایدار می‌باشد. طوری که مشارکت رهبران محلی، نهادی غیردولتی و دولتی و حتی شرکت‌های پیمانکاری (سدسازی و حفر توتل) به عنوان گروه‌های تاثیرگذار و تاثیرپذیر دارای ظرفیت و پتانسیل‌های ویژه‌ای هستند که با غلبه بر مشکلات و تنگناهای واقع در مسیر طرح‌ها، می‌تواند زمینه شکوفایی استعدادها و پرورش خلاقیت‌های مختلف را ایجاد نموده و بخش دولتی را از دغدغه‌های مالی و مدیریتی رها سازد و رویکرد خصوصی سازی را نقش‌بندی نماید. بدین صورت که هر یک از ذی‌نفعان مربوطه و مورد مطالعه در تحقیق حاضر، در بخش مرتبط و با توجه به وظایف خود، از ظرفیت‌ها و دارایی‌های خود در جهت اجرای برنامه‌ها و جلوگیری از تخریب منابع زیست‌محیطی همکاری لازم را داشته باشند که در نهایت اصطلاح حکمرانی خوب به معنای واقعی کلمه تحقق پیدا کند. نکته قابل تامل در نتایج حاصله این است که پانل متخصصان آموزش و پرورش را به عنوان با قدرت کم و کمترین سطح منافع در سلول سبزرنگ جانمایی کردند. این در حالی است که در همه ابعاد زندگی به ویژه حفظ منابع پایه توجه به آموزش بسیار مهم تلقی می‌شود و آموزش و پرورش می‌تواند نقش پررنگی را در این بخش بازی کند. اما جانمایی این سازمان مهم در سلول چهارم و کم قدرت نشان دادن آن می‌تواند به دلیل عدم انعطاف این سازمان برای داشتن برنامه‌های همسو با محیط زیست برای گروه سنی مختلف به ویژه روستاییان و کشاورزان، نداشتن برنامه‌های دراز مدت از سوی آموزش و پرورش و همچنین عدم اعتماد و اعتقاد اعضای پانل به ظرفیت‌های این نهاد اشاره کرد. با توجه به نتایج حاصله در مرحله دوم تحقیق و شکل ۵، جایگاه هر یک از ذی‌نفعان به صورت مختصر بیان شده است.

با توجه به شکل ۱ (نمودار رنگین کمان، تاثیرپذیری و تاثیرگذاری ذی‌نفعان در برنامه‌ریزی) می‌توان نتیجه گرفت که ذی‌نفعان مورد بررسی در تحقیق را می‌توان در دو گروه تقسیم‌بندی کرد. گروه اول صرفاً کسانی هستند که به صورت مستقیم تاثیرپذیر هستند و از منافع مدیریت کاربری اراضی کشاورزی منتفع می‌شوند. در حالی که گروه دیگر از بازیگران افراد یا گروهی هستند که علاوه بر منتفع شدن از منافع، تاثیرگذار هم هستند و نقش‌آفرینی می‌کنند. هر چند در پاره‌ای از اوقات اهمیت منافع غیر مستقیم آنها بیش از منافع مستقیم باشد. اما یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین راهبردهای مبتنی بر تحلیل ذی‌نفعان، راهبرد تعامل و همسویی در تامین منافع بین

بازیگران متعدد در یک برنامه‌ریزی است. لذا با توجه به نتایج جدول ۹ جایگاه هر یک از ذی‌نفعان مورد مطالعه در تحقیق حاضر را نشان می‌دهد.

جدول (۹). جایگاه برخی از ذی‌نفعان مورد مطالعه در نمودار رنگین کمان چاوالیر و بوکلس		تأثیر گذار
<ul style="list-style-type: none"> • سازمان جهاد کشاورزی • ستاد احیای دریاچه ارومیه • صدا و سیما • سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری • مراکز تحقیقات کشاورزی 	بیشترین	
<ul style="list-style-type: none"> • بهره‌برداران کشاورزی • سازمان آب منطقه • سازمان آب و فاضلاب • راه و شهرسازی • بنیاد مسکن • سازمان تعاون روستایی • رهبران فرا محلی (پژشکان، شخصیت‌های علمی و اجتماعی) • مدیران محلی (ریش سفیدان، روحانیون، شوراها، دهیاران) • رسانه‌های اجتماعی • رسانه‌های نوشتاری • دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی • آموزش و پرورش • NGOها و سازمان‌های مردم نهاد • کارگاه‌های شن و ماسه • شرکت‌های پیمانکاری (سدسازی و حفر توتل) • شهرک‌ها و واحدهای صنعتی 	متوسط	
<ul style="list-style-type: none"> • هواشناسی • گردشگران • سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری 	کمترین	
<ul style="list-style-type: none"> • بهره‌برداران کشاورزی • مدیران محلی (ریش سفیدان، روحانیون، شوراها، دهیاران) • NGOها و سازمان‌های مردم نهاد • کارگاه‌های شن و ماسه • شرکت‌های پیمانکاری (سدسازی و حفر توتل) 	بیشترین	تأثیر پذیر
<ul style="list-style-type: none"> • متوسط 	متوسط	
-	کمترین	

نتیجه گیری

تحلیل ذی‌نفعان به تشخیص تمام قدرت و منافع و ضررهای اولیه و ثانویه ذی‌نفعان در یک فرایند یا سیاست می‌پردازد. هدف تجزیه و تحلیل ذی‌نفعان عبارت است از توسعه چشم‌انداز استراتژیک برای طراحی سازمانی به معنایی دیگر پایداری نهادی و ارتباط و تمایز فی‌مابین ذی‌نفعان و ایجاد ساز و کارهایی برای رفع مشکلات و حل اختلاف بر سر موضوع‌هایی که به آن توجه بیشتری دارند. در همین راستا در مطالعه حاضر، برای طراحی چارچوب و شناسایی اولویت‌ها جهت ساماندهی کاربری اراضی در حوضه جنوبی دریاچه ارومیه و

ارائه راهکار منطبق با این تغییرات به منظور تعدیل پیامدهای منفی مرتبط با آن در محدوده مورد مطالعه از روش‌شناسی تحلیل ذی‌نفعان با استفاده از تکنیک علمی و روز این روش، یعنی ماتریس قدرت - منافع استفاده شد و اقدام به تحلیل میزان تاثیرگذاری و نقش آفرینی هر یک در راستای اهداف شد. ساماندهی کاربری اراضی کشاورزی از جمله برنامه‌ریزی‌هایی به شمار می‌روند که با ذی‌نفعان متعددی در ارتباط می‌باشد. لذا به کارگیری روشی که بتواند ذی‌نفعان و توقعات آنها را توأمًا لحاظ کند، در ساماندهی و مدیریت ذی‌نفعان بسیار اثربخش خواهد بود. در نتایج به دست آمده در تحلیل ذی‌نفعان به خوبی نشان داده شد که بهره‌برداران در سطح مزارع به عنوان ذی‌نفعان کلیدی و رکن اصلی در طرح، ارائه و اجرای برنامه‌های حفاظتی در جهت ساماندهی اراضی در کنار سازمان جهاد کشاورزی و دیگر سازمان دولتی و غیردولتی قرار گرفته است. طراحی چارچوب و شناسایی اولویت‌ها جهت ساماندهی کاربری اراضی به عنوان رهیافت توسعه‌ای مبتنی بر استفاده از ابزارهای نوآورانه در جهت استفاده از تمام ظرفیت‌های موجود مستلزم توجه به ابعاد نهادی توسعه به‌ویژه تحلیل ذی‌نفعان کلیدی و به‌کارگیری ابزارهای ظرفیت‌سازی و شبکه‌سازی از طریق گسترش هماهنگی، همکاری و تعامل ذی‌نفعان محلی با افراد مسؤول و تقویت اعتماد و همکاری و انسجام شبکه روابط بین آنها برای ایجاد تغییرات مطلوب است. زیرا جوامع محلی در صورتی می‌توانند به صورت مناسب ایفای نقش کنند که به آنها بها و در کنار آن آموزش داده شود. نتیجه این مهم آن است که جوامع محلی به ویژه بهره‌برداران و رهبران محلی خود را در برنامه شریک می‌دانند که منجر به همکاری در برنامه و همچنین تقویت نقاط ضعف آنها می‌شود. در مورد چالش‌های موجود از جمله تغییرات زیست‌محیطی و نحوه مقابله با آن اطلاع‌رسانی و آگاه‌سازی صورت می‌پذیرد. با توجه به برآوردها و نتایج می‌توان به این نتیجه رسید که کشاورزان در بطن اصلی ساماندهی اراضی به ویژه در مناطق روستایی و کشاورزی قرار دارند. اما نتایج حاصله گویای این واقعیت است که رفتار آنها در مقابله با تغییرات زیست‌محیطی بیشتر یک تصمیم شخصی و در حد توان و ظرفیت بهره‌بردار به صورت فردی است تا به صورت گروهی و یا پیروزی از یک برنامه منظم. که این امر چالش موجود را بحرانی‌تر از قبل می‌کند. ادامه روند موجود، تخریب بیش از پیش محیط زیست را به دنبال خواهد داشت. زیرا دلیل عمده همه ذی‌نفعان درگیر برای تغییر کاربری اراضی کسب سود و درآمد بیشتر است. بنابراین، از طریق دادن تسهیلات، مشارکت همه ذی‌نفعان در برنامه‌ها، فرهنگ‌سازی، مشارکت بخش‌های خصوصی و تکثرگرایی، دادن آموزش‌های لازم و همچنین مشارکت دادن جوامع محلی در برنامه‌ریزی و اجرا طرح‌ها می‌توان تا حدودی زیادی این مساله را مدیریت کرد. هر چند در بخش تسهیلات مالی نقش جامعه‌ی مدنی از قبیل معتمدان، سازمان‌های مردم‌نهاد و خیریه‌ها ناچیز است، اما می‌توانند با ارائه پیشنهادهای مشاوره و شرکت در جلسات ایفای نقش کنند و صدای کشاورزان مشغول در سطح مزرعه باشند.



منابع

- ابراهیم‌نیا، وحیده، مژگان رسولی، و زندیه، سمیه. (۱۳۸۸). روش‌های و مدل‌های تخصیص کاربرد زمین. مجله آرمانشهر. ۲ (۱۳): ۲۳-۹.
- اصغری زمانی، اکبر، روستایی، شهریور، کوشش وطن، محمدعلی. (۱۳۹۹). ارزیابی تفکیک اراضی مسکونی و تجاری از منظر شاخص‌های تفکیک زمین و ذینفعان عرصه زمین؛ مطالعه موردی: منطقه یک و سه شهر تبریز. نشریه علمی جغرافیا و برنامه ریزی، ۲۴ (۷۷)، ۲۸-۱۳.
- امینی، الهام، حبیب، فرح، و مجتهدزاده، غلامحسین. (۱۳۸۹). برنامه‌ریزی کاربری زمین و چگونگی تاثیر آن در کاهش آسیب پذیری شهر در برابر زلزله. علوم و تکنولوژی محیط زیست. ۱۱ (۳): ۱۷۴-۱۶۱.
- امینی، سماء، رحمانی، بیژن، و مجیدی خامنه، بتول. (۱۳۹۶). پیامدهای اقتصادی تغییرات کاربری اراضی روستاهای پیراشهری مورد: روستاهای دهستان جی در شهرستان اصفهان، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی. ۶ (۲): ۲۰.
- اونق، مجید، قانقرمه، عبدالعظیم، و عابدی، قدرت. (۱۳۸۴). برنامه مدیریت کاربری اراضی سواحل جنوب شرقی دریای خزر (معرفی مدل عددی ارزیابی توان اکولوژیکی و آمایش سرزمین). فصلنامه علوم کشاورزی و منابع طبیعی. ۱۳ (۵): ۱۱-۱.
- جعفر فوتمی، عیسی و شیدای کرکج، اسماعیل. (۱۳۹۲). بررسی نقش تغییر کاربری اراضی بر خصوصیات فیزیکی و کاتیون‌های خاک (مطالعه موردی: دشت میرزابایلو، استان گلستان). مجله مدیریت خاک. ۲ (۲): ۵۵-۴۹.
- حاجی، فاطمه. قدمی، مصطفی، و متولی، صدرالدین. (۱۳۹۵). ارزیابی ظرفیت‌های توسعه اکوسیستم در حوضه دریاچه ارومیه با تاکید بر اجتماع محلی. فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی- فرهنگی. ۵ (۴): ۲۳۷-۲۱۵.
- حیاتی، منوچهر. مشبکی اصفهانی، اصغر. خورشیدی، عباس و مرتضوی، مهدی. (۱۳۹۷). ارائه الگوی مدیریت تعامل با ذینفعان راهبردی بانک. پژوهش‌های مدیریت منابع سازمانی، ۸ (۲): ۷۲-۵۷.
- دسترنج، حمید رضا و توکلی، فرخ. (۱۳۹۶). بررسی تغییرات سطحی و حجمی آب دریاچه ارومیه با استفاده از تصاویر ماهواره‌ای و ارتفاع سنجی ماهواره‌ای. فصلنامه علمی-پژوهشی اطلاعات جغرافیایی. ۲۷ (۱۰۷): ۱۶۳-۱۴۹.
- دفتر برنامه‌ریزی و تلفیق ستاد احیای دریاچه ارومیه با همکاری دانشگاه صنعت شریف. (۱۳۹۴). گزارش کمیته منابع و مصارف. ۴۵-۱.
- دفتر برنامه‌ریزی و تلفیق ستاد احیای دریاچه ارومیه با همکاری دانشگاه صنعت شریف. (۱۳۹۴). گزارش کمیته منابع و مصارف. ۴۵-۱.
- سعدی، حبیب. و عواطفی‌اکمل، فاطمه. (۱۳۹۷). عوامل موثر بر تغییر کاربری اراضی کشاورز در روستاهای شهرستان همدان. فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی. ۷ (۲): ۲۱۲.
- سلطانی‌پور، فرزانه. و دماری، بهزاد. (۱۳۹۵). وضعیت توسعه پایدار در ایران، مجله دانشکده بهداشت و انستیتو تحقیقات بهداشتی، ۱۴ (۴): ۱۴-۱.
- شمس‌الدینی، علی. و امیری فهلیانی، محمدرضا. (۱۳۹۴). بررسی عوامل اثرگذار بر مدیریت کاربری اراضی روستایی در شهرستان ممسنی (با استفاده از مدل ترکیبی TOPSIS- SWOT). فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای. ۵ (۱۹): ۸۵-۱۰۰.
- صالحی طالشی، فاطمه. و محمدرضا محبوبی. (۱۳۹۱). عوامل موثر بر تغییر کاربری اراضی کشاورزی به باغ. اولین کنفرانس ملی راهکارهای دستیابی به توسعه پایدار. تهران. صص ۲۳-۱.
- صحرائی‌جویباری، احمد. و عیسی ابراهیم‌زاده. (۱۳۹۴). برنامه‌ریزی کاربری اراضی و مکان‌گزینی پهنه در محلات شهری با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی (مطالعه موردی: محله ۴۷ شهر زاهدان). فصلنامه علمی- پژوهشی اطلاعات جغرافیایی. ۲۴ (۹۴): ۹۳-۷۸.

- عساکره، حسین، بارزمان، سپیده، شاهبایی کوتنایی، علی. (۱۳۹۹). واکاوی الگوی مکانی بارش‌های بهاره شمال غرب ایران با روش‌های تحلیل فضایی. نشریه علمی جغرافیا و برنامه‌ریزی، ۲۴ (۷۴)، ۱۵۳-۱۶۴.
- علی‌صوفی، علیرضا، آذرنیوشه، عباسعلی. و اویسی، عباس. (۱۳۹۴). پژوهشی در مورد اصلاحات اراضی در دوره پهلوی اول (۱۳۲۰-۱۳۰۰ شمسی / ۱۹۴۱ - ۱۹۲۱ میلادی). مجله پژوهش‌های تاریخی. ۴۹ (۱): ۹۴-۷۳.
- فتحیان، فرشاد. (۱۳۹۰). بررسی روند تغییرات کاربری اراضی با استفاده از فنآوری سنجش از دور و متغیرهای ق و هواشناسی در حوضه دریاچه ارومیه. رساله کارشناسی ارشد گروه مهندسی منابع آب دانشگاه تربیت مدرس. صص ۲۴-۶۹.
- فتحیان، فرشاد، مرید، سعید. و ارشد، صالح. (۱۳۹۲). ارزیابی روند تغییرات با استفاده از فنآوری سنجش از دور و ارتباط آن با روند جریان رودخانه‌ها (مطالعه موردی: زیر حوضه‌های شرق دریاچه ارومیه). فصلنامه آب و خاک. ۲۷ (۳): ۶۴۲-۶۴۲.
- فتحیان، فرشاد، مرید، سعید. و ارشد، صالح. (۱۳۹۲). ارزیابی روند تغییرات با استفاده از فنآوری سنجش از دور و ارتباط آن با روند جریان رودخانه‌ها (مطالعه موردی: زیر حوضه‌های شرق دریاچه ارومیه). فصلنامه آب و خاک. ۲۷ (۳): ۶۴۲-۶۴۲.
- فیروزنیا، قدیر و قرنی‌آرا، بهروز (۱۳۹۴). بکارگیری تحلیل بازیگران در فرایند ساماندهی نظام مدیریت و برنامه‌ریزی توسعه روستایی، فصلنامه پژوهش‌های روستایی، دوره ۶، شماره ۴.
- فیروزنیا، قدیر، رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا، دیانی، لیلا. و پریشان و مهران. (۱۳۹۱). تحلیل پیامدهای واگذاری اراضی مسکونی روستایی. فصلنامه فضای جغرافیایی. ۱۲ (۴): ۲۱۲-۲۳۰.
- قدوسی، میثم، دلاور، مجید. و مرید، سعید. (۱۳۹۳). اثر تغییرات کاربری اراضی بر هیدرولوژی حوضه آبریز آجی‌چای و ورودی آن به دریاچه ارومیه. فصلنامه تحقیقات آب و خاک ایران. ۴۵ (۲): ۱۳۳-۱۲۳.
- کمالی، میثم و سهیلا یونس‌زاده‌جلیلی. (۱۳۹۴). بررسی تغییرات کاربری اراضی حوضه آبریز دریاچه ارومیه با استفاده از تصاویر ماهواره‌ای. مرکز تحقیقات سنجش از راه دور (RSRC) دانشگاه صنعت شریف. ص ۲۴.
- گزارش آینده‌ای که می‌خواهیم، دستاورهای کنفرانس سازمان ملل متحد پیرامون توسعه پایدار ریو+۲۰. ۱۳۹۱. (ترجمه دکتر مجید شفیق‌پور، نرگس صفار)، سازمان حفاظت محیط زیست. تهران. ص ۳.
- مالکی، محمد، شیخی، محمد، لطیفی، غلامرضا. و تورش سروی. (۱۳۹۲). سنجش استعداد اراضی جهت کاربری توسعه شهری و روستایی با تلفیق تکنیک‌های طبقه‌بندی فازی، AHP و منطق بولین؛ نمونه مورد مطالعه؛ شهرستان شمیرانات. فصلنامه مدیریت شهری. ۳۲ (۷): ۲۲۶-۲۱۱.
- محمدزاده، شهرام، صدیقی، حسن، پزشکی‌راد، غلامرضا، مخدوم، مجید. و شریفی‌کیا، محمد. (۱۳۹۲). تحلیل پیامدهای تغییر کاربری اراضی زراعی به باغی از دیدگاه باغداران در غرب حوضه آبریز دریاچه ارومیه. فصلنامه تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران. ۴۵ (۴): ۷۷۵-۷۸۵.
- محمدزاده، لطیف. (۱۳۹۹). تدوین مکانیسم برنامه‌ریزی کاربری اراضی کشاورزی مبتنی بر تغییرات اقلیمی در حوضه جنوبی آبریز دریاچه ارومیه، رساله دکتری، دانشکده مهندسی زراعی و عمران روستایی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی خوزستان.
- میرکولتولی، جعفر. (۱۳۹۰). ارزیابی توان اکولوژیک کاربرد توسعه شهری با مدل تصمیم‌گیری چند معیاری MCDM و GIS. پژوهش‌های جغرافیای انسانی. ۷۷: ۷۷-۸۸.
- نصرالهی، محمد، ممینی، مریم، ولی‌زاده، سارا. و خسروی، حسن. (۱۳۹۳). بررسی تاثیر روند تغییرات کاربری اراضی / پوشش زمین بر وضعیت منابع آب زیرزمینی، با استفاده از تصاویر ماهواره‌ای (مطالعه موردی: دشت گیلانغرب). فصلنامه علمی - پژوهشی اطلاعات جغرافیایی. ۲۳ (۹۱): ۹۸-۸۹.

- نظری سامانی، علی‌اکبر، قربانی، مهدی، و کوهستانی، حمیدرضا. (۱۳۸۹). ارزیابی روند تغییرات کاربری اراضی حوزه آبخیز طالقان در دوره ۱۳۶۶ تا ۱۳۸۰. *مجله علمی پژوهشی مرتع*. ۴ (۳): ۴۵۱–۴۲۲.
- ویسی، فرزاد، نیکخواه، چنور. (۱۳۹۷). واکاوی نقش گردشگری در معیشت و پایداری معیشتی خانوارهای روستایی، مطالعه موردی: بخش اورامان سروآباد. *نشریه علمی جغرافیا و برنامه ریزی*، ۲۲ (۶۶): ۳۲۹–۳۸۴.
- Abdus Salam, Md., Noguchi, T., (2006), **Evaluating Capacity Development for Participatory Forest Policy and Economics**. 8: 785–796.
- Bajracharya, B. (2011), **Climate change adaptation through land use planning and disaster management: Local government perspectives from Queensland**, 17th Pacific Rim Real Estate Society Conference Climate change and property: Its impact now and later 16 -19 January 2011. Gold Coast. Pp: 28-41.
- Barati, A.A., Asadi, A., Kalantari, K., Azadi H., (2016), **Design of Structural Equation and Integrated Causes and Effects Model of Agricultural Land Use Change in Iran According to the Organization**. *Iran Agricultural Extension and Education Journal* 1: 21-36.
- Cheng, F., Geertman, S., Kuffen, M., Zhan, Q., (2011), **An integrative methodology to improve brownfield redevelopment planning in Chinese cities: a case study of Futian Schenzhen, Computers**. *Environment and Urban Systems*. 35: 388–398.
- Chevalier, J.M., Buckles, D.J., (2008), **SAS2: a Guide to Collaborative Inquiry and Social Engagement**. Sage Publications, Policy. P. 32.
- Currie, R., Seaton, Sh., Wesley, F., (2009), **Determining Stakeholders for Feasibility Analysis**, *Annals of Tourism Research*, Vol. 36, No. 1, PP. 41–63.
- FAO, (2012), **Food and Agricultural Organization of the United Nations**, 2012. State of the world's forests, 2012. Rome, Italy: FAO. <http://www.fao.org/docrep/016/i3010e/i3010e00.htm>. P. 12.
- Fidelisa, T., Roebeling, P., (2014), **Water resources and land use planning systems in Portugal— Exploring better synergies through Ria de Aveiro**, *Journal of Land Use Policy*. 39: 84–95.
- Friedman, A. L., Miles, S., (2006), **Stakeholders: Theory and Practice**, Oxford University Press.
- Gatto, M., Wollni, M., Qaim, M., (2015), **Oil palm boom and land-use dynamics in Indonesia: the role of policies and socioeconomic factors**, *Land Use Policy*. 46(7): 292–303.
- Kaufmann, D., Kraay, A., Mastruzzi, M., (2009), **Governance matters VIII: aggregate and individual governance indicators, 1996-2008**. World Bank Policy Research Working Paper No. 4978. Retrieved at: 20/03/2009. Available on: <http://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstractid>.
- Lambin, E.F., Geist, H.J., (2006), **Land-Use and Land-Cover Change**, Local Processes and Global Impacts Berlin. Springer. (wp 6319). Pp: 23-56.
- Liu, Y., Feng, Y., Zhao, Zh., Zhang, Q., Shiliang, Su., (2016), **Socioeconomic drivers of forest loss and fragmentation: A comparison between different land use planning schemes and policy implications**, *Journal of Land use policy*. 54:58– 68.
- Luyet, V., (2012), **Review A framework to implement Stakeholder participation in environmental projects**, *Journal of Environmental Management*, 111: 213-219.

- Mahsafar, H., Maknoun, R., Saghafan, B., (2011), **Effects of climate change on the water balance of Urmia Lake**, Journal of Iran Water Resources Research. 7 (1): 58-47.
- Malhan. I. V., Shivarama. R. K., (2017), **Knowledge Intensive Agriculture for Attaining Sustainable Development Goals: Role of Indian Women**, <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>.
- Miljkovic, J., Zivanovic, C., Tijana, B., Lgor., M., (2012), **Land use planning for sustainable development of peri-urban zones**, Spatium, pages: 15-22.
- Renard, Y., (2004), **Guidelines for Stakeholder Identification and Analysis: A Manual for Caribbean Natural Resource Managers and Planners**, Caribbean Natural Resources Institute. ISBN 1-890792-07-1.
- Rodriguez A. T., (2015), **Aeeiii ssss Aiii Ill tllll Teeee e ll iyy ddd uuttii bbble Deeleeeee tt**, Marcelo Regúnaga. P. 67.
- Tilman, D., Balzer, C., Hill, J., Befort, B., (2011), **Global food demand and the sustainable intensification of agriculture**, Journal of Proc Natl Acad Sci USA. 108: 260–264.
- United Nations Development Programme (UNDP), (2004), **Adaptation policy frameworks for climate change: developing strategies**, policies and measures. B. Lim, E. Spanger-Siegfried, I. Burton, E. Malone & S. Huq, eds. New York, UNDP. (available at http://www.preventionweb.net/files/7995_APF.pdf).
- Yin, R., Liu, C., Zhao, M., Yao, S., Liu, H., (2014), **The implementation and impacts of China's largest payment for ecosystem services program as revealed by longitudinal household data**, Journal of Land Use Policy. 40: 45–55.